فهرست جداول هر ماه از کتب المسمی بجنات الخلود

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الحکیم المعبود المتفرد بالالهیة والابود المتعزز بالکرم والجود ثبت بروز الوجود دلبروز بالحصید یوم الورود جاعل جبوب حب المحبوب معمورة بجنات الخلود مترشح حیاض العلم بریاض المرتاضین من جداول المنهل المشهود ومرسل صواعق نجوم الحجج علی نجوم المنکرین کالبرق والرعود باعث النبی الکریم لسد السدود وخد الجحود ودرد الاجارة والرتود عن ردی الطرق والقصود الی منفصل من ظل ممدود فاخذ لاهل سنته بالمواثیق والعهود وشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له شهادة یرتقی بها اعلی درجات الصعود مع المقربین والشهود فی مشهد یوم موعود وصلی الله علی صاحب المقام المحمود والحل من تادب بالسجود وفضل من تجنب جنوبهم عن المضاجع الرقود محمد محمد النار ذات الوقود وعلی سعد جود والکوکب المسعود سمی ربه الودود علی الغالب علی الجیوش والجنود وعلی النجوم الهادیة والاقطاب سماء الالهیة بلا زوال ولا رکود الائمة الاجلة المعصومین المامورین تارة بالقیام وتارة بالصعود الطائفین العاکفین الرکع السجود صلوة تصفی مرائی قلوبنا عن غبار التعصب والجحود وتعصمنا من کید کل لجوج وحسود یصهر به ما فی بطونهم والجلود واتبعوا فی هذه لعنة ویوم القیمة بئس الرفد المرفود من المخالفین الکفرة الفجرة العهود الاضلین من النصاری والیهود وسلم تسلیما کثیرا وانما الی ان یذهب الخلق ویعود اما بعد بر لوایح ارواح زاکیه وصفایح اذهان صافیه ارباب لباب میسکار دکمینه کثیر الجرم قلیل الطاعه عدیم البضاعه مسکین ابن محمد مومن حیدر رضا الامامی المدرس وفقه الله تعالی لمراضیه وحسن الیه فی مستقبل حاله کما فی ماضیه که چون عمده ارکان ایمان معرفت خداوند تبارک وتعالی وانبیا واوصیا لا سیما ائمه هدی سلام الله علیهم است که از خوض درخوض حلاوت آثار واخبار ایشان حاصل کرد د وهر یک را علاحده نامی ونشانی ومولد ومکانی وتاریخ وزمانی وصلوة وعباداتی وشغلی ودعائی که دریافت همه بهانه تتبع کتب بسیار دشوار است چون انحقر تعقیر وسوم بخزاین الانوار در اظهار فضل ائمه اطهار صلوات الله علیهم چنین تصنیف نمودم در سطاوی تالیف آن از استقصای کتب اطلاع کلی بر جزویات آثار انبیا ونامدار واطوار احمد مختار از ائمه اطهار علیهم السلام بهم رسانیده هر یک در جای خود از آن کتاب مستطاب مبطی تمام ارتسام دادم ومجلد اول آن بنظر کیمیا اثر

هذه جنات الخلود

کامنان کرپاس بنده کردون اساس نواب کامیاب مالک رقاب شهنشاه خلافت مآب که طغرای طوامیر دولت وتصفت نام نامیش موشح وسجل مناشیر باهر النور شوکت باسم سامیشان موشح است حامی حوزه اسلام وماحی عبده اصنام رافع رایات عدل واحسان وقامع الویه ظلم وطغیان بخته طوایف امم ومفخر ملوک عرب وعجم مشغله دوده لا المودة فی القربی ومردمک دیده وللله نوید بنصره من یشاء در نک آرای خواقین کامکار ومملکت پیرای شهنشهان تاج بخش تاجدار دریا سخایی که ترا وش غمام انعام عامش بهجت افزای بهارستان وصل وجمال است هوا داری که نسایم الطاف خاصش غالیه ساکی دماغ آمانی وامال ظل الله فی العالمین وقهرمان الماء والطین قبله ارباب دین مرکز دوایر عدل ودست ملک وملک قرار بهتر فریدون کجا شوکت وشانش کجا در یدبیضا سهامی نشود آشکار پایه قدرش بود مایه جاه وجلال شاه نشانش که بهت سایه پرورد گار درخم چوگان حکمش چون فکند حشمتش گوی فلک چنبر چرخ پیل وار بهر فتسان کفر تیغ وی آتش فشان بهر گلستان دین خنجر وی آبدار بهر گوهر بحر کرم مظهر احسان چو یم صدر آرای امم فخر اولی الافتخار صبح برد مشکش ابرج اسد زحمل بره شیر فلک پیش رهش بنده وار کان کفش در سخا موج بر آرد چو بحر تیغ پر از جوهرش دم زند از ذوالفقار کهف الثقلین وضیاء المشرقین والمغربین ملاذ الخلق فی الخافقین شاه سلطان حسین الصفوی بهادر خان لا زالت اعناق السلاطین بیابه خاضعه وجناه الخواقین تراب عتابه واضعه رسیده بعد از تخلیع آن به پیرایه استحسان حقیر را مورد خلاع فاخره اشباع در قم مفاخرت شیم دوران مطاع فرمودند درینوقت بر حسب الاشاره بعضی از خاصان آن درگاه که پرچم رایت فتح آیه انهم المنصورون آیتی است درشان او وکوکبه موکب ان جندنا لهم الغالبون نمونه ایست از او حیات فرمان او شیرازه اوراق انا فتحنا لک فتحا مبینا وشاهباز بلند پرواز اوج در رفعنا مکانا علیا خلاصه آثار چهارده معصوم از اسماء والقاب وکنایات خصایص ومعجزات وادعیه وصلوات واحراز واحجابات ومدة عمر وساعات وفضایل وکرامات وآباء وامهات وتولد ووفات وشهور وسنوات واولاد وزوجات وخواتیم وبرکات ومقتل وامکنه ووفات وتواریخ ولادات واشغال ومهمات رساله علاحده نموده باسلوب تقویم در طی جداول ذکر کردیم تا مخلص احوال هر یک در جدولی باوجود تصفح کتب در بادی الرای نظر در آید وهر روز را که تولد یکی از انبیاء وحجج یا فوت یکی از اشقیا در آن واقع شده بر اشغال ومهمات خود تیمن وعکس آن از اعکس کننده باختلاف ذوجهتین معنون ساختیم اثر ابجاد ولی چند در معنی اسماء حسنی وعدد وخواص آنها ومجمل احوال مشاهیر انبیاء ومختتم شد بجداول دیگر در ذکر سنین خاتم اصفیا وتعداد ایام ولیالی متبرکه واعیاد وشهور وسنین بلاد مشهوره زمین ومعرفه قبله واختیارات وبعضی از فلکیات واختلاجات اعضا وادعیه وصلوات اودیه سفر وذکر خلفاء غاصبین حقوق ائمه بدو حصر مذهب ومنتهای ترتیبی که مذکور وموشح است در فهرست این صحیفه جهان نما که الحق کتابی شد قرة العین همه کتابها چرخ بگل چینی این جدول این باغ قامت خم ودامن بکمر بر سجود است گلزار ارم با رخ خوبان که جبینش ماه است عید است خطش سنبل عود است هم صرصر عاد است عدد از کلماتش هم بحر محبان تو جنات خلود است بر ساحت هر صفحه زنه جدول سیمین سرچشمه مود است روان شهد شهود است در هر ورق از درج گهر چید بساطی هر کنج وی از گنج دو صد مایه جود است هر خانه بی زینت دین ذات عماد است در الفت دین قد الفهاش عمود است وموسوم ساختیم این نسخه مبارکه را بنام نامی که عدد حروفش ماده تاریخ تالیف آن است یعنی جنات الخلود المعمور من جداول النور وبالله التوکل فی کل الامور

بقية الجدول الاول في معرفة نبذ من اسماء الحسنى و معانيها و خواصها و اعدادها

الباطن	[illegible]		
الأكرم	[illegible]	الحيّ	[illegible]
الحكيم	[illegible]	العليم	[illegible]
[illegible]	[illegible]	الحفيظ	[illegible]
الحق	[illegible]	الحسيب	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
الرب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
الرازق	[illegible]	[illegible]	[illegible]
الرحيم	[illegible]		

الجدول الاول في معرفة الاسماء الحسنى و معانيها و خواصها و اعدادها

الله	[illegible]		
الواحد	[illegible]	الأحد	[illegible]
الصمد	[illegible]	الأول	[illegible]
الآخر	[illegible]	السميع	[illegible]
البصير	[illegible]	القادر	[illegible]
القاهر	[illegible]	[illegible]	[illegible]
الأعلى	[illegible]	[illegible]	[illegible]
البديع	[illegible]	الباري	[illegible]
الظاهر	[illegible]		

الجدول الثانی فی معرفة تتمة اسماء الحسنی و معانیها و خواصها و اعدادها

الرقیب	ومعنی دارد دیدن که رقیب القوم حارسهم و دو کس را که طالب چیزی باشند رقیب گویند و دیدبان یکدیگر و منه قوله تعالی ما یلفظ من قول الا لدیه رقیب عتید ... عدد کبیرش سیصد و دوازده ... [illegible]	الرؤوف	مهربان یعنی رحیم است ... زیرا که فرد کامل رحمت را رافت گویند بسیار گفتن این اسم سختی را از دل زایل کند ... عدد کبیرش دویست و هشتاد و هفت ... [illegible]
الرزاق	[illegible]	السلام	[illegible]
المؤمن	ومعنی دارد تصدیق کننده یعنی راست کننده وعده خود که با اهل ایمان کرده ... [illegible]	المهیمن	[illegible]
العزیز	[illegible]	الجبار	[illegible]
المتکبر	ومعنی دارد بزرگواری که بزرگی اختصاص تمام بذات قدس او دارد ... [illegible]		
السید	[illegible]	السبوح	[illegible]
الشهید	ومعنی دارد گواه و مطلع بر همه اشیاء که هیچ چیز از وی مخفی نماند ... [illegible]	الصادق	[illegible]
الصانع	[illegible]	اللطیف	[illegible]
الطاهر	پاکیزه و منزه ... [illegible]	العدل	[illegible]

بقیة الجدول الثانی فی معرفة تتمة الاسماء الحسنی و معانیها و ذکر خواصها و اعدادها

العفو	فعول بمعنی فاعل است مشتق از عفو یعنی درگذرنده و بخشش کننده گناه گناهکاران ... عدد کبیرش یکصد و پنجاه و شش عدد وسطش هفتاد و یک ... [illegible]	الغفور	عدد کبیرش یکهزار و دویست و هشتاد و شش ... [illegible]
الغنی	[illegible]	الغیاث	[illegible]
الفاطر	دو معنی دارد شکافنده ماخوذ از فطور و فروج ... و منه قوله تعالی فاطر السموات والارض ... [illegible]	الفرد	[illegible]
الفتاح	[illegible]	الفالق	[illegible]
القریب	دو معنی دارد نزدیک بخلق خود از راه علم ... [illegible]		
[illegible]	[illegible]	الکالئ	[illegible]
القدوس	بسیار بسیار منزه از معایب و قبایح ... [illegible]	القوی	[illegible]
القیوم	[illegible]	القابض	[illegible]
الباسط	یعنی پهن کننده فضل و احسان و رزق ... [illegible]	القاضی	[illegible]

الجدول الثالث فی معرفة باقی الاسماء الحسنی و ذکر خواصها و معانیها و اعدادها

بمعنی مجد دو معنی ارد اول بمعنی واسع الکرم است بر بسیار خلق از هر گونه نعمت چنانچه بر دو حق را ماید گوید دوم کریم و عزیز است و منه قوله تعالی و قرآن مجید و ماخوذ از مجد و بزرگواری و احتمال دارد که بمعنی مجد باشد یعنی تعظیم و تکریم کرده شده و بسیار گفتن این اسم شفاعت از گونها عدد کبیرش پنجاه و هفت و عدد وسطش نوزده و صغیرش سه است گفتن آن با اسم جد موجب تنویر قلب و یافتن مجد و بزرگواری است	[illegible]	در بعضی نسخ و بعد کور است و هر دو بمعنی یا ضرب است بر اهل مومنان و متولی ثواب و اکرام ایشان و متولی بمعنی ولی بتصرف باشد چنانچه رسول خدا فرموده انا اولی بالمومنین من انفسهم من کنت مولاه فعلی مولاه و گاهی بمعنی قیم نفاق است که قیم طفل را ولی گویند پس بر این بمعنی حقتعالی مصلح کار مومنین و قائم بمهمات ایشان است بتحقیق تصرف و دوستی خلق را دوست باید عدد کبیرش که مولا باشد ...	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]		
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

بقیة الجدول الثالث فی معرفة باقی الاسماء الحسنی و ذکر خواصها و معانیها و اعدادها

الودود	با خود از دو معنی دوستی است یعنی دوست دارنده بندگان صالح خود و دوستی و سبحانه راضی بودن از ایشان و قبول اعمال صالحه ایشان بمعنی قرار دهنده دوستی هر یک از او خود در دل آن دیگری برآمده کما فی قوله سیجعل لهم الرحمن ودا و محتمل است که اینجا فعول بمعنی مفعول باشد یعنی دوست داشته شده چه بندگان او را دوست دارند و او محبوب همه است این نام را بر طعامی هزار بار بخوانند و بخورد جمعی که با هم دشمن باشند و همه دوست شوند برای محبت مجرب است کبیرش بیست و وسط و صغیرش دو است	[illegible]	وفا کننده بعهد خود و بجا آورنده وعدهای ثواب که ترکش از وی قبیح است بر خلاف وعده عذاب که وفا نکردن بران مراد و جایز بل مستحسن است و ایضا نیز که اسم آن موفی باشد بر این معنی است برای راست آمدن وعده مجرب است عدد کبیرش نود و شش و عدد وسطش پانزده و عدد صغیرش شش است
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]		
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

الجدول الرابع فی معرفة احوال الانبیاء المشهورین صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین

آدم صفی الله	[illegible]
ادریس	[illegible]
نوح	[illegible]
هود	[illegible]
صالح	[illegible]
ابراهیم	[illegible]
لوط	[illegible]
اسمعیل	[illegible]
اسحق	[illegible]

بقیة الجدول الرابع فی احوال الانبیاء المشهورین صلوات الله علیهم اجمعین

ذوالقرنین	[illegible]
یعقوب	[illegible]
یوسف	[illegible]
ایوب	[illegible]
شعیب	[illegible]
موسی	[illegible]
یوشع	[illegible]
حزقیل	[illegible]
اسمعیل	[illegible]

الجدول الخامس في فتح بند من احوال الانبياء المشهورين صلوات الله عليهم اجمعين

خضر	[illegible]
الیاس	[illegible]
لیسع	[illegible]
ذوالکفل	[illegible]
لقمان	[illegible]
داود	[illegible]
سلیمان	[illegible]
اشموئیل	[illegible]
حیقوق	[illegible]
شعیا	[illegible]
حنظله	[illegible]

بقية الجدول الخامس في فتح بند من احوال الانبياء المشهورين سلام الله عليهم

زکریا	[illegible]
یحیی	[illegible]
ارمیا	[illegible]
دانیال	[illegible]
مریم	[illegible]
عیسی	[illegible]
عزیر	[illegible]
خالد	[illegible]
جرجیس	[illegible]
یونس	[illegible]
اصحاب الکهف	[illegible]

الجدول السادس في معرفة نبذ من أحوال خاتم النبيين محمد صلى الله عليه وآله وسلم

ألقابه	[illegible]
أوّل خلقه	[illegible]
أسمائه	[illegible]
كُناه	[illegible]
خصائصه	[illegible]
يوم ولادته	[illegible]
شهر ولادته	[illegible]
مكان ولادته	[illegible]
أصحابه	[illegible]

بقية الجدول السادس في معرفة أحوال خاتم النبيين وخير المرسلين محمد المصطفى صلى الله عليه وآله

أزواجه	[illegible]
عدد أولاده	[illegible]
نقش خاتمه	[illegible]
هجرته	[illegible]
غزواته	[illegible]
صلواته	[illegible]
سنة وفاته	[illegible]
مبلغ سنّه	[illegible]
[illegible]	[illegible]

الجدول السابع فی معرفة نبذ من احوال الامام الاوّل امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب

القابه (لقبهای آنحضرت)	[illegible]
اسمائه (نامهای شریف آنحضرت)	[illegible]
کناه (کنیتهای شریف آنحضرت)	[illegible]
حسبه	[illegible]
خصائصه (خصایص آنحضرت)	[illegible]
شهر ولادته ویومه	[illegible]
مسقط رأسه ومکانه	[illegible]
ساعته	[illegible]
معجزاته (معجزات آنحضرت)	[illegible]

بقیة الجدول السابع فی تتمة معرفة ما یتعلق بالامام الاوّل امیرالمؤمنین علیه السلام

اخلاقه (اخلاق آنحضرت)	[illegible]
شمائله (شمائل آنحضرت)	[illegible]
دعائه (دعای آنحضرت)	[illegible]
زوجاته (زنان آنحضرت)	[illegible]
سنة وفاته (سن وفات آنحضرت)	[illegible]
عدد اولاده (عدد اولاد آنحضرت)	[illegible]
موضع وفاته (مکان وفات آنحضرت)	[illegible]
علة وفاته (علت وفات آنحضرت)	[illegible]
اصحابه (اصحاب آنحضرت)	[illegible]

الجدول الثامن فی معرفة احوال سیدة النساء فاطمة الزهراء صلوات الله علیها

اسمائها	[illegible]
القابها	[illegible]
کُناها	[illegible]
ابواها	[illegible]
یوم ولادتها	[illegible]
خصائصها	[illegible]
عام ولادتها	[illegible]
معجزاتها	[illegible]
مبلغ عمرها	[illegible]

بقیة الجدول الثامن فی معرفة احوال سیدة النساء فاطمة الزهراء

نقش خاتمها	[illegible]
ازواجها	[illegible]
اولادها	[illegible]
علة وفاتها	[illegible]
یوم وفاتها	[illegible]
مدفنها	[illegible]
سنة وفاتها	[illegible]
بوّابها	[illegible]
فضائلها	[illegible]

بقیة الجدول التاسع فی بقیة احوال الامام الثانی و السبط الاول علیه السلم

نقش خاتمه	[illegible]		یا شدید القوی و یا شدید المحال یا عزیز اذلت بعزتک جمیع من خلقت صل علی محمد و آله و اکفنی مؤنة فلان بما شئت [illegible]
عدد اولاده	[illegible]		
بوابه	[illegible]		[illegible]
علت وفاته	[illegible]		
یوم وفاته	[illegible]		[illegible]
مدفنه	[illegible]		
عاقبة قاتله	[illegible]		[illegible]
یوم زیارته	[illegible]		
فضائل زیارته	[illegible]		[illegible]

الجدول التاسع فی معرفة احوال الامام الثانی و السبط الاول صلوات الله علیه

اسمائه	حسن است یعنی نکو و این نام حق تعالی از نام خود محسن اشتقاق کرده و آنحضرت [illegible] نموده در نزد خلقت نور محمدی صلی الله علیه و آله قبل از خلقت آدم و عالم بچهارده هزار سال [illegible]	القابه	یازده لقب دارد [illegible]
کنیته	[illegible]		
اصحابه	الاکرمین [illegible]		[illegible]
صلواته	[illegible]		
ساعاته	اللهم صل علی الحسن و الحسین عبدیک و ولییک و ابنی رسولک و سبطی الرحمة و سیدی شباب اهل الجنة [illegible]		[illegible]
سنی ولادته	[illegible]		
معجزاته	بقول صحیح سال سیم هجرت [illegible]		[illegible]
مدت عمره	[illegible]		
نقش خاتمه	[illegible]		[illegible]

الجدول العاشر فی معرفة احوال الامام الثالث والسبط الثانی علیه السلام

اسمائه (اسماء آن حضرت)	حسین است مصغر حسن لفظاً ومعناً … [illegible]	القابه	[illegible]
کنیته (کنیت های آن حضرت)	[illegible]		
مسکنه (مسکن آن حضرت)	[illegible]	بوّابه	[illegible]
صلواته (نماز آن حضرت)	[illegible]		
مولده (زمان تولد آن حضرت)	[illegible]	شهر ولادته	[illegible]
ساعته (ساعت آن حضرت)	[illegible]		
عام ولادته (سال تولد آن حضرت)	بقول سال … [illegible]	اصحابه	[illegible]
معجزاته (معجزات آن حضرت)	[illegible]		
تعقیبه (تعقیب آن حضرت)	[illegible]	مدة عمره	[illegible]

بقیة الجدول العاشر فی معرفة احوال الامام الثالث والسبط الثانی علیه السلام

نقش خاتمه (نقش خاتم آن حضرت)	[illegible]	دعاؤه	اللهم انی اسئلک بکلماتک ومعاقد عرشک وسکان سمواتک وارضک وانبیائک ورسلک ان تستجیب لی فقد رهقنی من امری عسرا … ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل لی من امری یسرا … [illegible]
صلواته (نماز آن حضرت)	[illegible]		
زوجاته (زنان آن حضرت)	[illegible]	عدد اولاده	[illegible]
علاماته (علامات آن حضرت)	[illegible]		
یوم وفاته (روز وفات آن حضرت)	[illegible]	شهر وفاته	[illegible]
مدفنه (مدفن آن حضرت)	[illegible]		
سنة وفاته (سال وفات آن حضرت)	[illegible]	موضع وفاته	[illegible]
فضائل زیارته (فضیلت زیارت آن حضرت)	[illegible]		
خصائصه (خصایص آن حضرت)	[illegible]	مدة امامته	[illegible]

الجدول الحادي عشر في معرفة آثار الإمام الرابع السجاد الراكع صلوات الله عليه

أسمائه (نامهای آنحضرت)	علی که ما خوذ از علو بمعنی تفوق در مدایح و مناقبت چنانچه درین باب گفته اند نظم مبیع علیّ بن الحسین فریضة علیّ لأنی من أقل عبیده امام الهدی فاق البریة کلها ... [illegible]
كناه (کنیتهای آنحضرت)	[illegible]
ألقابه (لقبهای آنحضرت)	[illegible]
أخلاقه (اخلاق آنحضرت)	[illegible]
مولده (زمان تولد آنحضرت)	[illegible]
أصحابه (اصحاب آنحضرت)	[illegible]
سنى ولايته (سالهای ولایت آنحضرت)	اللهم صل علی علی بن الحسین زین العابدین ... [illegible]
معجزاته (معجزات آنحضرت)	[illegible]
نقش خاتمه (نقش نگین آنحضرت)	علی بن الحسین علیه السلام ... [illegible]

بقية الجدول الحادي عشر في معرفة آثار الإمام الرابع الراكع الساجد عليه صلوات الله الملك المجيد

نقش خاتمه (نقش نگین آنحضرت)	یا دائم یا دیموم یا حی یا قیوم یا کاشف الغم یا فارج الهم و یا باعث الرسل و یا صادق الوعد صل علی محمد و آل محمد و افعل بی ما انت اهله ... اِنّی اَسئلک باسمک الله الله الله الله الله الذی لا اله الا هو رب العرش العظیم ... [illegible]
عدد أولاده (عدد اولاد آنحضرت)	[illegible]
أزواجه (زنهای آنحضرت)	[illegible]
علة وفاته (علت وفات آنحضرت)	[illegible]
عام وفاته (سال وفات آنحضرت)	[illegible]
مدة إمامته (مدت امامت آنحضرت)	[illegible]
خصائصه (خصائص آنحضرت)	[illegible]
مدفنه (مدفن آنحضرت)	[illegible]
فضل زيارته (فضیلت زیارت آنحضرت)	[illegible]

بقیة الجدول الثاني عشر في تتمة معرفة احوال الامام الخامس الحبر المؤتمن صلوات الله وسلامه عليه

[illegible]

الجدول الثاني عشر في معرفة احوال الامام الخامس الحبر المؤتمن صلوات الله وسلامه عليه

الاسم واللقب	محمد است یعنی از باب بعض جهة مبالغه و تکثیر را تفضیل لفظ حمد آن است که چون خدای بندگان خود در ستایش کنند چنانچه حمید است هر آینه آنحضرت حمد کرده شده و ترا زهمه کس باشد و چون خلایق ستایش خدا کنند آنحضرت احمد ترا زهمه است یعنی حمد کننده ترا زهمه و در ب النوع بنی آدم است و این اسم افضل اسمائست و روایت که در قیامت حقتعالی عز شانه امر کند هر کس را که نام محمد یا احمد است داخل بهشت کند برای کرامت این نام مبارک و نام دیگرش در کتب سماوی و سماعیلی است	باقر ع	لقب او در دو باقر العلوم یعنی شکافنده علمها چه او خود از بقر است بمعنی شکافتن یعنی شکافنده علوم یعنی بر دانا درنده علمها از پس پرده خفا و مشهور کننده آن است و ذاکر و شاکر و هادی جامع [illegible] حاضر که همه از القاب آنحضرت است [illegible] باقر العلم لاهل التقى وخير من لبى بالخاطر امام حق فاق في فضله العابد من باد ومن حاضر كذلك قد صح فيهم شايع ووصفه بخبش ياالباقر تمت
الكنية	[illegible]		
[illegible]	ابو جعفر است و بس و اظاهر بعضی حیاب مفهوم میکردد که قبل از ائمه امام جعفر صادق از آنحضرت بهرسه آنحضرت کنی باین کنیه بوده است در طفولیت و سنت همچنین است که در روز هفتم که طفل را نام میکذارند اگر پسر باشد کنیه ابی فلان و اگر دختر باشد بام فلان کنند و از آنحضرت منقولست که انا لنكني اولادنا في صغرهم مخافة النبز يعني اطفال خود را در کوچکی کنیه میکردانیم از خوف آنکه مبادا نامهای زشته بر ایشان نهند	[illegible]	اللهم صل على محمد بن علي باقر علم الاولين والاخرين وامام الهدى قائد اهل التقى والمنتجب من عبادك اللهم وكما جعلته علما لعبادك ومنارا لبلادك ومستودعا لحكمتك ومترجما لوحيك وامرت بطاعته وحذرت عن معصيته وصل عليه يا رب افضل ما صليت على احد من ذرية انبيائك واصفيائك ورسلك وامنائك يا رب العالمين
مولد	[illegible]		
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ساعت	[illegible]		
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
الخلفاء	[illegible]		
[illegible]	توفیق کسب علم و دریافت معرفت مختص است بتوسل جستن بآنحضرت علیه السلام بطریق اللهم اني اسئلك بحق وليك علي الباقر واتوسل اليك به ان ترزقني علما كثيرا نافعا وفهما كاملا ويقينا صادقا تطمئن به قلبي وتوصلني الى درجات المقربين في معرفة امور الدين آمين يا رب العالمين	[illegible]	پنجاه و هفت سال و بقولی پنجاه و هشت سال و بقولی پنجاه و نه سال است اما از روی تحقیق از ضرب اقوال مختلفه در ماه و سال ولادت و فوت پانزده صورت است پنجاه و هفت سال کسری از آن کسر پنجاه و هفت روز یا چهار ماه و پانزده روز یا ده ماه و چهار روز یا شصت با کسرهای مذکوره و پنجاه و نه سال با کسرهای مذکوره پنجاه و شش سال با کسرهای مذکوره هشت سال با کسرهای مذکوره و بقول بعضی که عمر شریف بهشتاد و هشت سال قائل شده [illegible]

برتری

الجدول الثالث عشر فی معرفة احوال الامام السادس العالم الکامل والحجر المؤتمن صلوات الله علیه

[illegible]	حضرت که دلالت میکند بر کثرت فیوضات و علوم غیر متناهی که از او جاری ... جعفر گویند و وجه آن جعفر است و جعفر نام نهریست در بهشت پس وجه مناسبت ... علوم اهلبیت بوده ... باعث ترویج مذهب اثنی عشر گردیده ... فیضان نموده و خود نیز در خصوص ... و کثرت افاده نمود فرموده ... یمنون الناد فیضعون ... النهر العظیم یعنی بطلب علم نزد این حیفه ... [illegible]	[illegible]	صادق یعنی راستگوینده ... مصدق بکسر دال ... و در آنچه گوینده ... محقق یعنی ... در کتب سماوی نام وی بوده ... کاشف الحقایق یعنی ظاهر کننده حقیقت اشیاء ... رحیم یعنی رقیق القلب و رحم کننده بر بیچارگان ... فاضل یعنی دانشمند ... صابر یعنی صبر کننده در بلیات ... [illegible]

[illegible]

بقیة الجدول الثالث عشر فی معرفة احوال الامام السادس الحجر المؤتمن صلوات الله وسلامه علیه وعلی آبائه الطاهرین

[illegible]	انت ثقتی فاعصمنی من خلقک یعنی ... وتقش ... کلمات ... الله ولی عصمتی من خلقه ... موجب محفوظ بودن ... الله خالق کل شیء ... [illegible]	[illegible]	یا ذبان ... یا ارحم الراحمین اجعل لشیعتی من النار وقاء ... فاغفر ذنوبهم ویسر امورهم واقض دیونهم واستر عوراتهم وهب لهم الکبائر ... التی بینک وبینهم یوم لا یخاف ... ولا تاخذه سنة ولا نوم ... ان الله وعد الصابرین ... واجعلنا الله ... لا خوف علیهم ولا هم یحزنون

[illegible]

الجدول الرابع عشر فی معرفة احوال الامام السابع والعالم الزاهد الراکع صلوات الصانع علیه الملک

اسم آنحضرت — موسی نام کلیم و همنام آن امام بزبان قبطی است در هنگامیکه حضرت کلیم را مادرش از ترس فرعون در دریا انداخت ... [illegible] ... آن تابوت در میان آب درختان ... [illegible] ... موسی شد

صلوات — اللهم صل علی الامین المؤتمن موسی بن جعفر البر الوفی الطاهر الزکی النور المبین المجتهد المحتسب الصابر علی الاذی فیک اللهم وکما بلغ عن آبائه ما استودع فی امرک ونهیک وحمل علی المحجة وکابد اهل العزة والشدة فیما کان یلقی من جهال قومه رب فصل علیه افضل واکمل ما صلیت علی احد ممن اطاعک ونصح لعبادک انک غفور رحیم

حسب آنحضرت — [illegible]

القاب آنحضرت — اول کاظم یعنی فروبرنده خشم ... [illegible] ... دوم صابر ... سوم صالح ... چهارم عبد صالح ... [illegible]

عمر — اول ابوالحسن و اکثر اوقات بدین کنیت نامیده میشود دوم ابوعلی ... حضرت امام رضا ... سوم ابو اسمعیل ... چهارم ابو ابرهیم ... [illegible] ... ظاهر کردند و ترک آن دعوی کرده در سلک سلطان درآمد و از جمله بزرگان دین است

ساعت تعقیبات آنحضرت — [illegible]

مولد آنحضرت — روز یکشنبه ... ماه صفر ... سال یکصد و بیست و هشتم از هجرت ... [illegible] ... در جاء ... ابوا ... [illegible]

عقیقه — [illegible] ... فلم نجد فما تری انتصدق بثمنها قال لا ان الله یحب اطعام الطعام واراقة الدماء

معجزات آنحضرت — [illegible]

دعاء عقیقه آنحضرت — بسم الله وبالله اللهم عقیقة عن فلان لحمها بلحمه ودمها بدمه وعظمها بعظمه اللهم اجعله وقاء لآل محمد علیه وآله السلام ... بسم الله وبالله والحمد لله والله اکبر ایمانا بالله وثناء علی رسول الله صلی الله علیه وآله والعصمة لامره والشکر لرزقه والمعرفة بفضله علینا اهل البیت ... [illegible] ... والحمد لله رب العالمین ... [illegible]

اخلاق — بلند قامت و ضعیف ترکیب و شدید السمره یعنی بسیار گندم گون بود ... [illegible] ... و اخلاق حمیده آنحضرت بسیار است

اصحاب آنحضرت — [illegible]

نسب آنحضرت — پدرش جعفر بن محمد و مادرش حمیده ... [illegible] ... و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام ... [illegible] ... بر کاه و بیها بو گرده ... [illegible]

تعویذ — شفای امراض و بیماری و دفع مرض ظاهری و باطنی و سلامت بدن ... اللهم انی اسئلک بحق ولیک موسی بن جعفر الا عافیتنی فی جمیع جوارحی ما ظهر منها وما بطن ودفعت عنی جمیع الالام والاسقام یا جواد یا کریم یا ارحم الراحمین ... [illegible]

بقیة الجدول الرابع عشر فی معرفة احوال الامام السابع العالم البار صلوات الله علیه وسلامه

نقش خاتم — حسبی الله یعنی بس است مرا خدا ... [illegible] ... الملک لله ... [illegible]

دعای — [illegible] ... یا خالق الخلق و یا باسط الرزق و یا فالق الحب و یا بارئ النسم ومحیی الموتی وممیت الاحیاء ودائم الثبات ومخرج النبات افعل بی ما انت اهله فانک اهل التقوی واهل المغفرة اللهم انی اسئلک الراحة عند الموت والعفو عند الحساب ... عظم الذنب من عبدک فلیحسن العفو من عندک ... اللهم اجعلها علینا رحمة وعلی الکافرین عذابا وصلی الله علی محمد وآله

عدد اولاد — [illegible]

ازواج آنحضرت — زن نکاحی ... [illegible]

عمر — پنجاه و چهار سال ... [illegible] ... سی و نه سال ... [illegible]

شعر — ... العادل واللائم ... سلم الحکم الی الحاکم ... [illegible] ... فی شرف المرتقی ... [illegible]

صلوات [?] — [illegible]

وقت وفات آنحضرت — روز جمعه وقت چاشت ... ماه رجب ... [illegible] ... یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة ... [illegible]

سن — سال یکصد و هشتاد و سیم از هجرت ... [illegible] ... الرشید ... [illegible]

علت وفات آنحضرت — [illegible]

موضع وفات [?] — خانه سندی بن شاهک ... [illegible]

مدفن — موضعی است در نزدیکی بغداد ... [illegible] ... در مکان دفن کردند

احتجاجات آنحضرت — [illegible]

احتجاج [?] — هارون با او گفت ... [illegible] ... رسول خدا خوانده است ... [illegible]

ما ... آنحضرت [?] — مشهور بیست و هشت سال ... [illegible]

الجدول الخامس عشر في معرفة احوال الامام الثامن الولي الرضا المعصوم المؤتمن صلوات الله عليه وسلامه

الاسم — علی است که نام مبارکش چون نام جد بزرگوارش مشتق از نام الهی است ... بتفسیر آن عده الشهور عند الله اثنا عشر شهرا ... امام عالیمقام است و مراد از منها اربعة حرم چهار امام است که نام ایشان علی است علی ابن ابیطالب و علی بن الحسین و علی بن موسی الرضا و علی نقی علیه السلام ...

اللهم صل على علي بن موسى الرضا الذي ارتضيته ورضيت به من شئت من خلقك اللهم وكما جعلته حجة على خلقك وقائما بامرك وناصرا لدينك وشاهدا على عبادك وكما نصح لهم في السر والعلانية ودعا الى سبيلك بالحكمة والموعظة الحسنة فصل عليه افضل ما صليت على احد من اوليائك وخيرتك من خلقك انك جواد كريم

الكنية — [illegible]

الالقاب — القاب مشهور آنحضرت رضا ... و مرتضی و رضی ... و صابر و فاضل ... و در زمین هفت مکان ... ابو الحسن ثالث است نزد جمعی که امیر المؤمنین را ابو الحسن مطلق گویند ... و امام موسی کاظم را ابو الحسن ثانی ... و این کنیت را حضرت کاظم باو داد ... ان فلانا ابني سيد ولدي وقد نحلته كنيتي

المعجزات — [illegible]

النسب — ... روز پنجشنبه و بقولی یوم الخمیس الذی رفع فیه ادریس ... شهر ذی القعده ... سنه ثمان و اربعون و مائه ... حضرت صادق ... در مدینه ... ولادت ... الا ان خيرات الناس نفسا و والدا ...

الساعة — [illegible]

النصائح — فرمود که قناعت جمع کننده ... اعدا خالد عادی بونه واضرب غطا علی عنق واصبر على عنت السفيه للزمان على ودع الجواب تفضلا وكل الظلوم على جنينه ... كلهم الزمانا وما لزماننا عيب سوانا ... بناهجانا وليس الذئب ياكل لحم ذئب وياكل بعضنا بعضا عيانا

... و در نظر مردم زینت کردی و تلافی نیکی مردم با ضعاف کردی

الاصحاب — [illegible]

التوسل — سلامتی در سفر بر و بحر و رسیدن بوطن و خلاصی از غم و اندوه غربت ... بتوسل جستن آنحضرت علیه السلام بدین دعا که اللهم اني اسألك بحق وليك الرضا علي بن موسى الرضا الا سلمتني به في جميع اسفاري في البراري والبحار والجبال والقفار والاودية والغياض من جميع ما اخافه واحذره انك رؤف رحيم

... فلما رأوا باسنا قالوا آمنا بالله وحده

بقية الجدول الخامس عشر في معرفة الامام الثامن الولي الرضا المعصوم المؤتمن والولي الممتحن صلوات الله عليه

نقش خاتمه — ما شاء الله لا قوة الا بالله بود ... و بقولی نقش نگین آنحضرت حسبي الله ... و بقولی ولي الله ... نقش کند برای هر علت نافع است ... كلمات اركعاهو بدلا ام لا الاول الاول بالله

اللهم اعطني الهدى وثبتني عليه واحشرني عليه آمنا امن من لا خوف عليه ولا حزن ولا جزع انك اهل التقوى واهل المغفرة ... و اللهم سلم وتمم ...

حرزه — [illegible]

مدة عمره — مشهور پنجاه و پنج سال ... و بقولی چهل و نه سال ... پنجاه و پنج سال ...

علة وفاته — [illegible]

تاريخ وفاته — یوم الثلثاء و بقول اصح یوم الجمعه بیست و چهارم ماه مبارک رمضان ... در شهر طوس ... مامون ...

مدفنه — [illegible]

عدد اولاده — نسل آنحضرت منحصر بود ... امام محمد تقی ... اصول لا اولادا و طابوا ... ان عدد تبدلوا ...

فضل زيارته — [illegible]

فضائل صلوته — در امالی از آنحضرت منقولست که فرمود ... در خراسان ... من رياض الجنة ... جبلي طوس قبضت قبضة من الجنة من دخلها كان آمنا يوم القيمة من النار ...

... کل معبود من لدن عرشك الى قرار ارضك فهو باطل سواك فانك انت الله الحق المبين ... الحمد لله شكرا شكرا ... الحمد لله الذي استجاب دعائي واعطاني مسئلتي

الجدول السادس عشر في معرفة احوال الامام التاسع لنور الساطع عليه صلوات الله الملك القاهر

اسم	[illegible] — اللهم صل على محمد بن علي بن موسى علم التقى ونور الهدى ومعدن الوفاء وفرع الازكياء وخليفة الاوصياء وامينك على وحيك اللهم وكما هديت به من الضلالة واستنقذت به من الحيرة وارشدت به من اهتدى وزكيت به من تزكى وصل عليه افضل ما صليت على احد من اوليائك وبقية اصفيائك انك عزيز حكيم
کنیت	[illegible]
القاب	[illegible]
معجزات	[illegible]
نسب	[illegible]
ساعات	[illegible]
شمائل	[illegible]
اصحاب	[illegible]
توسلات	[illegible] — الخالق اعظم واكبر من المخلوقين نار الله الموقدة في عمد ممدة تكيد افئدة المردة وترد كيد الحسدة بالاقسام باللوح المحفوظ بالحجاب المقرون بعرش ربنا العظيم احتجبت واستترت واعتصمت وتحصنت بالم و بكهيعص وبطه وبطس وبطسم وبحم وحمعسق وبق والقرآن المجيد و انه لقسم لو تعلمون عظيم والله الولي ونعم الوكيل [illegible]

بقية الجدول السادس عشر في معرفة احوال الامام التاسع والنور الساطع عليه صلوات الله الملك الصانع

نقش خاتم	[illegible] — يا من لا شبيه له ولا مثال انت الله لا اله الا انت ولا خالق الا انت تفنى المخلوقين وتبقى انت حلمت عمن عصاك وفي المغفرة رضاك [illegible] الهي لا رب لي سواك فادعوه ولا اله لي غيرك فارجوه انت الرب وانا العبد والعبد يخطئ والرب يعفو فان كانت دعوتي لك صادقة ويقيني لك صادقا فاغنني يا غياث المستغيثين [illegible] اللهم ادرء عني وعن اهلي [illegible]
نصایح	[illegible]
اولاد	[illegible] — اترا الرتق في الارض واسع اذا خفقت بالبلا رياح جودكم حداها الذي ما تستبعها المطالع [illegible] غيوث هوامع سيول دوافع سيوف قواطع [illegible]
صلوات	[illegible]
وفات	[illegible]
استخاره	[illegible]
عمر	[illegible]
خواص	[illegible]
حرز	[illegible]

بقیة الجدول السابع عشر فی معرفة احوال الامام العاشر و الولی الهادی علیه صلوات الملک الباهر

نقش خاتمش	[illegible]	...	یا نور یا برهان یا مبین یا منیر یا رب اکفنی شر الشرور و آفات الدهور و اسئلک النجاة یوم ینفخ فی الصور ... یا عدتی دون العدد و یا رجائی و المعتمد و یا کهفی و السند و یا واحد یا احد ... [illegible]
احتجاجاتش	[illegible]		
زیارتش	[illegible]	صلواتش	[illegible]
خصائصش	[illegible]		
علت وفاتش	[illegible]	وفاتش	[illegible]
اولادش	[illegible]		
ابن خلیفه	[illegible]	مدفنش	[illegible]
احتجاجاتش	[illegible]		
خلفای عصرش	[illegible]	حکام عصرش	[illegible]

الجدول السابع عشر فی معرفة احوال الامام العاشر و الولی الهادی علیه صلوات الله الملک الباهر

اسمش	علی است که دلالت صریح بر ارتفاع شان و سمو مکان آنحضرت کند چه این لفظ فعیل بمعنی فاعل است ... ألقى مدارجها أصلية ثوب ثوابه صفات جلال ما اعتد بلباسها سواه و لاحتجب بغير جنابه يفوقها طفلا و كهلا فانعت معالى المعانى فهى مما اهابه مناقب من فاضت به شهدت له ... [illegible]	لقبش	آنحضرت را هادی و نقی ... [illegible]
کنیتش	[illegible]		
کنیتش	ابو الحسن الرابع ... ابو الحسن الثالث ... [illegible] نظم هم ابدجلون على سماح و افعالهم على سداد هم عرفا الورى سبل المعالى هم دلوا الانام على الرشاد ... من خدم الفؤاد فكيف يجوز عن صدق لسانى و قلب دائم بهواك عادى	صلواتش	اللهم صل على على بن محمد وصى الاوصياء و امام الاتقياء و خلف ائمة الدين على الخلائق اجمعين اللهم كما جعلته نورا يستضىء به المؤمنون فبشر بالجزيل من ثوابك و انذر بالاليم من عقابك و حذر باسك و ذكر باياتك و احل حلالك و حرم حرامك و بين شرايعك و فرائضك و حض على عبادتك و امر بطاعتك و نهى عن معصيتك فصل عليه افضل ما صليت على احد من اوليائك و ذريه انبيائك يا اله العالمين
معجزاتش	[illegible]		
مولدش	[illegible]	مادرش	[illegible]
ساعتش	[illegible]		
اخلاقش	[illegible]	اصحابش	[illegible]
احتجاجش	[illegible]		
دعاهایش	[illegible]	...	[illegible]

بقیة الجدول الثامن عشر فی معرفة احوال الامام الحادی عشر من الصلوات علیه و ما من التحیات کلها

نقش نگین	التمیمة لله و بقولی لعینی ارزوی من محمد ابی بیا زات و بقولی ما شاء الله و بقول حسن بن علی گویند عقیق سفید بود و متعلق عقیق را ثواب عظیم است برای وسعت رزق و امان از مخاوف و استجابت دعا در روایت است که عقیق اول کوهی است که شهادت بوحدانیت خدا و رسالت رسول خدا و امیر المومنین و ذریه فاطمه داد و رکعت نماز کردن با انگشتر عقیق برابر است با هزار رکعت و مرویست که حضرت یا ابا بکر هر کوهی عرض کردند اول عقیق و یاقوت قبول کردند و یاقوت را از فضل بسیار است و موجب توانگری و دستی که یاقوت و زمرد و لعل باشد فقیر نگردد	یا عزیز العز فی عزه یا اعز عزیز العزة فی عزه عزنی بعزتک و ایدنی بنصرک و اطرد عنی همزات الشیاطین و ادفع عنی بدفعک و امنع عنی بمنعک و اجعلنی من خیار خلقک یا واحد یا احد یا نور یا صمد بسم الله الرحمن الرحیم بود که نزد شروع در هر فعلی میگفت و بهترین دعیه آنحضرت فرمود این کلمه باسم اعظم نزدیک تر است از سیاهی چشم بسفیدی آن و فضل کلام بزرگ بسیار خصاصات قدری دارد که در کتاب خزائن الانوار ایراد نموده ایم
اصحاب	[illegible]	
ازواج و اولاد	آنحضرت را از زن نکاحی اصلا نبود نه عقد دایم و نه عقد منقطع و از کنیزان خاص یک پسر به داشته است و آن نرجس بانو والده حضرت مهدی علیه السلام که احوال او در جدول آنحضرت ذکر شود مرویست که او شکل و شمایل حضرت امام حسن را در خواب دیده بود و بیتاب شده خود را با اسیران ضم کرده و از عشق آنحضرت بضعیف رنجور و به بغداد شد امام علی النقی بعلم اعجاز نشانی او به بشر بن سلیمان داد و او را با آنحضرت	زاد و ولده آنحضرت بقولی منحصر است بحضرت صاحب الامر علیه السلام که در جدول آتی ذکر شود و یک دختر که نام و نشان او در کتب دیده نشده و بقول اصح منحصر است بحضرت صاحب الزمان که از نرجس بانو رسیده و بس و همین فخر مر آنحضرت را بس است که خاتم معصومین و روح دمنده هشتم لنبیین کرد نسل و بس گو را با آنحضرت خصیصه معصومیت کبری
صلوات	[illegible]	
علت وفات	بزهر مسموم کردند در زمان خلافت معتمد بالله خلیفه بقول صحیح و بقولی در زمان معتز بالله و این غلط است و بقولی معتصم بر گفته معتمد زهر در طعام چشانیده و از ارس درد دل بود و نقل است که بعد از مسموم شدن آنحضرت خلیفه از کرده خود نادم شد جمعی از علماء طب را با آنحضرت موکل ساخته مقرر کرد که شب و روز در خانه آنحضرت کن کنند تا معالجه آنحضرت شود هر روز خود بپرسش آمد فایده نکرد بعد از ده روز درگذشت	یوم الجمعه و بقولی یوم الاحد و بقولی یوم الاربعاء بهر تقدیر در غرة ماه ربیع الاول و بقول اصح در هشتم ماه مذکور در سنه ستین و مأتین از هجرت در بلده سر من رای در خلافت المعتمد علی الله عباسی بنا بر صحیح و در عهد دولت معتز بالله وفات کرده و غلط است زیرا معتز بالله چهار سال قبل از آنحضرت فوت شده بود بنا بر آنچه در جدول خلفاء
احجاب	[illegible]	
محل قبر	در کتاب اعلام الوری آورده اند که در اوایل امامت آنحضرت بقیه ملک معتز بالله بود چند ماهی و بعد از آن خلافت منتقل شد بمهتدی مدت یازده ماه و بیست و هشت روز پس احمد معروف بمعتمد علی الله بن جعفر المتوکل با دشاهی یافت و سلطنت بیست سال و یازده ماه کشید و بعد از مضی پنج سال از ملک او ابو محمد ولی خدا وفات یافت بشهادت بسم بدلیل قول صادق علیه السلام ما منا الا مقتول او شهید	در کشف الغمه آورده که چون خبر وفات آنحضرت در سر من رای فاش شد تمام شهر از صغیر و کبیر بهجی فریاد و فغان بر داشتند که گویا قیامت برپا شد و بازارها بستند و تمامی بنی هاشم و بنی عباس و قواد و کتاب و قضاة و معدلون سوار شدند و مردم بر جنازه آنحضرت جمعیت کردند و از صبح تا شام در سر دست مردم بود و سلطان ابی عیسی پسر متوکل را امر کرد تا نماز کرد بر جنازه او و عیسی چون نماز تمام جدول فی الفضائل آورده که آنحضرت را کشود بابت نمود که با اجل خود در گذشت و دفن
اجابت	[illegible]	
زیارت نامه	روز جمعه مخصوص آنحضرت است خود را مهمان آنحضرت دانستن و زیارت کردن بدین نهج السلام علیک یا ولی الله السلام علیک یا حجة الله و خالصته السلام علیک یا امام المومنین و وارث المرسلین و حجة رب العالمین صلی الله علیک و علی آل بیتک الطیبین الطاهرین یا مولای یا ابا محمد الحسن بن علی انا مولی لک و لآل بیتک و هذا یومک و هو یوم الخمیس و انا فیه ضیفک و مستجیر بک فاحسن ضیافتی بحق آل بیتک الطیبین الطاهرین	بقولی شش سال و بقولی پنج سال و هشت ماه و کسری و بقولی پنج سال و هشت ماه و سیزده روز از روی تحقیق ده صورت از ضرب اقوال بر فوت آنحضرت و والده اش هم میرسد چهار سال و نه ماه و پنج روز یا دوازده روز و چهار سال و هشتاد و سه روز یا پنج روز یا شش ماه و پنجصورت دیگر چهار سال و هفت ماه و هیجده روز یا بیست و پنج روز یا بیست و شش روز یا بیست و هشت روز یا بیست و نه روز و قول جمعی که ایام امامت را شش سال دانسته اند غلط است بر تولد در سنه خمس و خمسین یا بنا بر آنکه ابطال آن در جدول

الجدول الثامن عشر فی معرفة احوال الامام الحادی عشر صاحب العسکر صلوات الله علیه و سلامه

اسم	دو نام دارد اول حسن بهجی که در جدول امام حسن مجتبی علیه السلام گفته شد لهذا در کتب سماویه نامش باقیست یعنی هم نام جد و در مناقب گفته اند نظم یا راکباً یسری علی جسرة قد عبرت فی ادجیة الکبیر عرج فناداه و الم تری ارض الامام الحسن العسکری عرج علی من جده صاعد و جده غال علی المشتری علی الامام الطاهر المجتبی علی الکریم الطیب العنصر علی امام عدل احکامه یبسط العرف علی المنکر مبلغا عن عبده الامه تحیة ازکی من العنبر سمی جده المجتبی ابن خیار الله فی الاعصر	القاب	چه لقب دارد که خالص شریح هادی و عسکری یعنی منسوب بعسکر و این مشهورترین القاب آنحضرت است و سبب ملقب شدن آنحضرت بدین لقب آنکه چون خلیفه خوف از آنحضرت داشت که مبادا خروج کند خواست عرض لشکر خود را بآنحضرت نماید روزی سوار شد همراه آنحضرت با لشکر بصحرا رفت تلی عظیم در صحرا بود و بلشکر گفت که هر نفری یک من خاک از آن تل بر دارند آنقدر لشکر بود که آن تل بر طرف شد و در جای آن تل کوه دیگر عظیم هم رسید پس آنحضرت از میان دو انگشت خود چندان لشکر بوی نمود که میان این و آن استحقار کند
حسب	[illegible]		
کنیت	ابو محمد ابو القاسم باعتبار فرزند عزیزش که مسمی بمحمد و ملقب بقائم است و همین فضیلت برای او بس چنانچه در کشف الغمه از گفته کمال الدین محمد بن طلحه آورده که کفی لابی محمد الحسن شرفا من ربه ان جعل محمدا المهدی من کنیته و اخرجه من صلبه و جعله معدودا من حزبه و حسبه من ذلک منقبة و کفاه و لم یطل الدنیا ایام مقامه و شومه و لا امتدها امد حقبة فیها لیظهر ماثره و مزایاه	نسب مادر	پدرش امام علی النقی علیه السلام مادرش جاریه بود صبیح المنظر در نهایت آداب و غایت زهد و طاعت و بقولی کنیت ماده بسمانه و کنیه ماده بام الحسن و بقولی نامش حدیثه بضم حا و فتح دال مهملتین و ثاء مثلثه و بقولی نامش حدیث بدون تاء آخر بود و بقولی ریحانه و بقولی سماه بجریه بوده است گویند در ولایت خود پادشاه زاده بوده است
صلوات	[illegible]		
مولد	یوم الاثنین و بقولی یوم الجمعه چهارم ماه ربیع الثانی هشتم یا دهم از آن یا چهارم رمضان در سنه احدی و ثلثین و مأتین بقول اصح اثنین و ثلاثین و مأتین در مدینه طیبه در زمان المعتمد علی الله و بقول اصح در زمان الواثق بالله و بقول جمعی که تولد در سنه خمس و خمسین و مأتین بوده این ابی اصلست زیرا که وفات پدرش باتفاق کل در سنه اربع و خمسین و مأتین است پس لازم آید که آنحضرت یکسال بعد از فوت پدرش متولد شده باشد پدیده باشد و تمامی عمر ایام امامتش با وفات اکثر از ایام با پدر جمعیه در جدول	وقوع معجزه	شخصی با آنحضرت نوشت که اختلاف در میان فرق اسلام است دلیلی بیابد و جواب نوشت که دلیل بعاقلان نفع نبخشد کقوله تعالی ان فی ذلک لآیات لقوم یعقلون کسی پیشتر از محمد دلیل بیاورد پس او را ساحر و کذاب گفتند و هذا اهله من اهتدی غیر ان الادلة تکن الیها اکثر من الناس و ذلک انا لله عز و جل باذن لنا و یکلم ینتج فصمت و لو احب ان یظهر حقا ما شخصی با آنحضرت نوشت که والدین مرا دعا کن و مادرش خالیه بود در جواب نوشت رحم الله بصیغ سفر ود و دیگری بود پدرش غیر مومن بود و مادرش مومنه التماس دعا کرد در جواب نوشت رحم الله والدتک
ساعت	[illegible]		
شمائل	گندم گون و متوسط القامه نه بسیار فربه و نه بسیار ضعیف جمیل الوجه با روی تازه و همه اعضا باندازه و ابروهای سیاه مقوس و چشمهای فراخ و پیشانی گشاده و گونه سرخ و خال هاشمی در گونه راست و دندانهای درشت و سفید و لب در کمال نازکی و شیرین و گردن بلند و سینه پهن و بازو سنگین گشاده و گوشت رنها بسیار و با هیبت و جلالت	اخلاق	در نهایت بخشش و حیا و تمکین و فضل و عفاف و صیانت نفس و زهد و عبادت پیوسته آثار سجده در پیشانیش پیدا و خلق نیکو بحدیکه در نزد دوست و دشمن بنیکی مذکور شد و هر کس از روی رنجیده بود و نزد هر خدی در غایت جلال و اعظام و محل رفیع و قول جمیل و سخن را شمرده بسیار بهجی که حرف حرف کلامش شمرده میشد و جواب هر تقصیر فی الحال بر وجه شافی کفتی
معجزات	[illegible]		
توسل	از برای رست آمدن کارهای دینی و دنیوی و غلط نشدن آن و سرور بودن در همه اوقات موقوفست بر توسل جستن بآنحضرت بدینطریق اللهم انی اسئلک بحق ولیک الحسن بن علی الا اعتنی به علی آخرتی بطاعتک و رضوانک و سرورتی فی منقلبی برحمتک یا ارحم الراحمین و ایضا برای دفع دشمن و تفریق جماعت ایشان توسل بآنحضرت باید جست تمام شد	مدت عمر	مشهور بیست و هفت سال یا بیست و هشت سال و دو ماه و بیست و از آنها تا نه سال است که بیست و سه سال و چند ماه در ایام پدر و باقی بعد از پدر بود و از ضرب اقوال شانزده صورت دیگر اول بیست و هفت سال و یازده ماه و دوم بیست سال و یازده ماه سیم بیست و هفت سال و یازده ماه و چهارده روز بیست و شش سال و آن که بر آنها از گوره دو صورت دیگر بیست و هفت سال و پنجاه و بیست و یک روز یا بیست و هشت دو صورت دیگر بیست و شش سال یا آن که بر آنها بیست و شش سال و دو ماه و بیست روز یا بیست و سه روز یا بیست و هفت روز یا بیست و هشت روز و چهار صورت دیگر بیست و شش سال و چهار ماه و بیست روز

النمرة

الجدول التاسع عشر في معرفة احوال الامام الثاني عشر والحجة المنتظر عليه صلوات الله الملك الاكبر

محمد است میم اول اشاره باین میمون رحمانش شعار حبیب محبوب و میم ثانیش معنی مبارک میمون و دال آن دال بر دین محمد است یا میم اول ملک و حا حلم و میم ثانی مجد و دال دین اسلام و یا میم اول منت و حا حجت و میم ثانی معرفت و دال دوام باشد [illegible] ابن ابراهیم است [illegible] موسی و مسیح [illegible]

حجة الله یعنی علیه سلطنت خدای بر خلایق چه این هر دو بوساطت آنحضرت بظهور خواهد رسید صاحب الزمان یعنی فرمانفرمای این عصر مهدی یعنی هدایت یافته براه راست [illegible] مردم بدین حق قائم یعنی بر پا شونده در فرمان حق مرویست که آنحضرت همیشه در شب و روز [illegible] منتظر یعنی انتظار برده شده که خلایق همیشه منتظر مقدم [illegible] خلف صالح الامین یعنی [illegible] غایب شونده مدت مدید [illegible]

[illegible]

بقية الجدول التاسع عشر في معرفة احوال الامام الثاني عشر والحجة المنتظر عليه صلوات الله الملك الاكبر

انا حجة الله و بقولی انا حجة الله و خالصته و بهمین مهر حکومت روی زمین کند محمد الله و رضوانه على الامام الحجة القائم على امام حكمه نافذ اذا اراد الحكم في العالم خليفة الله على خلقه واخذ الحق من الظالم المطهر الارض ويحيي اولي العلوي القاطع ناصر دين الله [illegible]

یا نور النور یا مدبر الامور یا باعث من في القبور صل على محمد وآل محمد واجعل لي ولشيعتي من الضيق فرجا واوسع لنا المنهج اطلق لنا من عندك ما يفرج وافعل بنا ما انت اهله يا كريم [illegible] الحمد لله رب العالمين صلوات الله على نبيه محمد وآله الطاهرين [illegible]

[illegible]

الجدول العشرون في معرفة اخلاق النبي وسننه المشتركة بين الائمة الاثني عشر صلوات الله عليهم

عن ملفت که در جای که کار او الفت میان مردم میبد و تفرقه میبداد و بزرگ قوم را گرامی میداشت و بر سران قوم حاکم میکرد و ایشان را از مردم حذر مینمود و بدی از روی کسی [illegible] و تفقد حال صحابه مینمود [illegible] ضعیف میکرد و کار او میانه روی بود در هر چیزی و خلاف در [illegible] از کار حق [illegible] و بهترین مردم نزد او کسی بود که نصیحت بیشتر میکرد و مواسات با مردم بسیار مینمود

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بقية الجدول العشرون في معرفة اخلاق النبي وسننه المشتركة بين الائمة الاثني عشر عليهم صلوات الله

اقسام روغن خوشبو دوست میداشت و استعمال میکرد خصوصا روغن بنفشه و اول سر را میمالید بعد از آن ابروها و شارب را پس از آن دهن میمالید و گاهی ریش خود را بروغن معطر میکرد و شارب خود را از روغن دیگر و گاهی مشک و عنبر و غالیه بکار میبرد و بوی خوش خود [illegible] میکرد [illegible] سر خود را گاهی خود شانه میکرد و گاهی زنانش [illegible] و روزی دو بار شانه میکرد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بقيّة الجدل الحادى والعشرين في معرفة بقيّة الشهور وايّام الاسبوع والنيروز

ذو الحجّة	[illegible]
يوم الاحد	[illegible]
يوم الاثنين	[illegible]
يوم الثلثاء	[illegible]
يوم الاربعاء	[illegible]
يوم الخميس	[illegible]
يوم الجمعة	[illegible]
يوم السبت	[illegible]
يوم النوروز	[illegible]

الجدل الحادى والعشرون في معرفة شهور السنة والايّام المتبركة والاعياد

المحرّم	[illegible]
الصفر	[illegible]
ربيع الاوّل / ربيع الثاني	[illegible]
الجمادين	[illegible]
رجب	[illegible]
شعبان	[illegible]
رمضان	[illegible]
الشوّال	[illegible]
ذو القعدة	[illegible]

جدول بیست و دوم در شناختن ایام ماههای فارسی احکام خوابها و احکام ارتفوع و ایام منحوسه و احکام سکر یلدوز

الجدول الثانی و العشرون فی معرفة ایام الشهور الفارسیة و احکام الرؤیا و الارتفوع و المنحوسات و سکر یلدوز

مبارک و بسیار نیک است خلق شده است در آن حوا و تزویج او با آدم در این روز شده نیکوست در آن تزویج و بناء منازل و نوشتن عهدنامه و اختیار سفر و طلب حوایج و هر کس که در اول این روز بیمار شود آزارش سبک باشد بخلاف آخر که ثقیل گردد و طفلی که درین روز متولد گردد در حین بزرگی با دولت گردد و عمارت کردن و بنا نهادن درین روز بسیار مبارک و نیکو باشد

ماه نو از شب اول تا شب سیم هلال و از شب چهارم تا اواسط ماه قمر و از اواسط بدر و بعد از آن باز قمر و سه روز آخر را محاق گویند و طلب رویت هلال خصوصا ماه رمضان و شوال و ذیحجه سنت و گاهی بسبب از اسباب مخفی گردد و علما درین چند چیز خفا کرده‌اند ... بروج و طبایع آن ...

نیکوست از برای هر گونه حاجتی چون بیع و شری و غرس و بنا و غیره و هر کس درین روز نزد سلطان رود مطلبش بر آید و مکروه است در آن رکوب سفر و بیرون رفتن سوی جنگ و نوشتن عهدنامه و هر کس درین روز تولد یابد تربیت پذیر باشد و گریخته درین روز نیاید مگر بتعب و هر که درین روز بیمار گردد مرض او شدید گردد

ماه را دخلی عظیم در طبع انسان و حیوانات باشد در اجتماعی معلوم گردد در سیر قلم حیوانات که در ایام بری جرم و نور ماه پر است و در اول و آخر ماه خالیست پس از اول ماه تا نصف که جرم قمر در ترقیست گرفتن خون بهتر است خواه بفصد و خواه بحجامت و همچنین بوده باید کشید از نصف تا آخر نافع است بدین تفصیل

نیکوست از برای هر چیزی و هر که درین روز متولد گردد مال وی در آخر بسیار شود و لیکن ظالم باشد و طلب علم و بیع و شری و قرض و استقراض و رکوب بحر درین روز نیکوست و گریخته درین روز پیدا شود و مریض بری گردد و بروایتی مولود طویل العمر و مشغوف بطلب علم باشد و در آخر عمر متمول گردد

هر روز از ایام ماه عربی را بجهة از اشیاء خاصیتی است از نیکی و بدی و هر کس ملاحظه آن نماید نفع کلی یابد و نسبت آن با میرالمؤمنین علیه السلام دهند و همچنین در گرفتن ناخن پس بخواص منظور است و بتجربه معلوم و علمای دین عمل نموده اند و بطریق حدیث نقل کرده اند موافق این شکل

منسوبست و صلاحیت دارد از برای سفر و قضای حوایج و بنا و وضع اساس حصار و زرع و غرس اشجار و کردم و کور رفتن و دخول بر سلطان و اتحاد باشد و هر که بگریزد و بر دست آید و هر که درین روز گم شود خبرش یابند و هر که درین روز بیمار شود مرض وی صعب گردد و هر که متولد شود ... بردی شود ...

جمعی از بندگان خاص خدایند که از وسایط مبدء فیض بعالم برسانند و ایشان را اوتاد و اقطاب و ابدال گویند و در السنه مردم مشهور برجال الغیب اند و بعضی ایشان را از صحابه صاحب الامر دانسته‌اند و در عدد ایشان اختلاف و حدیث است ثلاثین سی نفر اند و هر روز در گرد عالم میگردند و فیض برسانند بدین قسم

روزیست که موسی عصای خود را بر حجر زد و دوازده چشمه آب بهم رسید و هم درین روز دریا شکافت نیکوست در آن سفر و هر چه اراده کنی سوای تزویج چه هر که درین روز تزویج کند تفرقه واقع شود میان او و زوجه اش و اگر درین روز از سفر آمده باشی بر اهل خود داخل شو و هر که درین روز بیمار شود شدید گردد و مولود درین روز طویل العمر باشد

بقیه جدول بیست و دوم در شناختن روزهای ماههای فارسی و احکام خوابها و احکام ارتفوع در روزهای نحس و احکام سکر یلدوز

بقیة الجدول الثانی و العشرون فی معرفة ایام الشهور الفارسیة و احکام الرؤیا و الارتفوع و المنحوسات و سکر یلدوز

نحس مستمر است و قابیل پسر آدم علیه السلام درین روز تولد یافته و در همین روز برادرش را کشته نمیدانست نعش او را چه کند کلاغی هویدا شده با کلاغی دیگر جنگ کرد و او را کشت و بمنقار زمین را گود ال کرده کلاغ را در خاک کرد قابیل همچنان کرد و بدبخت اول کسی است که خون ناحق کرد درین روز از منزل بیرون نباید رفت و مولود در حال نیکوست

هر خوابهای شبهای ماه در شب دراز کر مشود ... خواب مشوش ببیند ... بخواند اعوذ برب موسی و عیسی و ابرهیم الذی وفی و محمد المصطفی من شر هذا الرؤیا و شر ما فیها و تسئلت من خیره و خیر ما فیها ... البته ضرر نبیند و خواب مشوش که ببیند برگردد ... از طرف چپ ... آیة الکرسی بخواند

روز تولد شیث است نیکوست از برای شروع در هر علمی و از برای بیع و شری نیکست و لیکن بدست در آن داخل شدن بر سلاطین و هر که درین روز بگریزد بطوع و رغبت باز آید و هر که بیمار شود زود صحت یابد و هر که راه گم کند سالم ماند و هر که درین روز متولد شود عیش وی نیکو گردد و لیکن فقیر و فقیر گردد و از سلطان بگریزد والسلام والاکرام

ارتفوع بزبان ترکی وقتیست که روح را تعلق باودر بدن انسان ... در هر روزی از روزها در عضوی از اعضا باشد ... ملاحظه باید کرد که در آن عضو مجروح نگردد نه بفصد و نه بحجامت و نه بداغ نهادن و نه بدندان کندن ... از آن قوه از آن مفارقت در روح ... در دم آدمی فوت شود و ترتیب بدین نهج است

روز متوسط است و نمیباید کرد از منازعه و استقراض زیرا که هر کس درین روز چیزی بکسی دهد دیگر آن چیز نوی بر نگردد و مولود درین روز حالش نیکو باشد و بروایت دیگر روز صافی نیکست بطلب هر چه خواهند رود و تزویج و بیع و شری و زراعت و دیدن سلاطین همگی نیکست و بروایتی روز سنگین است صلاحیت طلب حاجت ندارد

از امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که در سالی بیست و چهار روز نحس میباشد که در آن روزها هر امری که شروع شود با تمام نرسد و مولود در آن زنده نماند و کسی که درین ایام بسفر رود ظفر نیابد و در حسنی که درین روزها گشته شود ثمر ندهد و درین در هر ماه از ماههای عربیه دو روز است و بروایت امام جعفر صادق علیه السلام روز نحس دوازده است در هر ماهی یک روز است

خفیف و نیکوست از برای طلب حوایج و تجارت و تزویج و دخول بر سلاطین حضرت یوسف علیه السلام درین روز تولد یافته پس هر که درین روز متولد شود تربیتش نیکو باشد و هر که درین روز بسفر رود خیر بسیار ببیند و سالما و غانما باهلش برگردد و از آن سفر ملتذ و محفوظ باشد

هشت کوکب اند بشکل شتر است در غایت نحوست که چون در حین روانه شدن سفر یا جنگ اثر دارد در علم رو با پهلوی راست با و مقابل باشد ... جماع کردن و گل ... کاشتن و بنای عمارت نشاید روز که ...

روز سبک و نیکوست در آن هر امری و حاجتی هر کس درین روز تولد یابد حلیم و مال بسیار بدست آورد هر که درین روز بیمار شود بزودی خلاصی یابد و هر کس بگریزد باز آید و لیکن نوشتن وصیت نامه درین روز خوب نیست و فی روایة یوم مبارک صالح لکل حاجة من لقاء السلطان و غیر ذلک و سفر درین روز خوب است

الجدول الثالث والعشرون في ذكر اشياء متفرقة يحتاج اليها في كثير من الاوقات

الاستخارة

[illegible] نوروز [illegible] شروع [illegible] بجهة خلوص اعتقاد [illegible]

١	۴		٢	۵		٣	۶
٧	١٠		٨	١١		٩	١٢
١٣	١۶		١۴	١٧		١۵	١٨
١٩	٢٢		٢٠	٢٣		٢١	٢۴
٢۵	٢٩		٢۶	٢٩		٢٧	٣٠
٣١	٣۴		٣٢	٣۵		٣٣	٣۶

وچون عدد [illegible] شروع [illegible] اللهم [illegible] لبّيتنا ولا تيتنا [illegible] البداء الغارة بن [illegible]

[illegible]

[illegible]

السنة

دوازده ماه [illegible]

الاوقات

[illegible]

فصول [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

الكسوف

در محرم علامت [illegible]

[illegible]

[illegible]

ملك السنين

چون اول محرم [illegible]

بقية الجدول الثالث والعشرون في ذكر اشياء متفرقة يحتاج اليها في كثير من الاوقات

التاريخ

[illegible]

الشهور

[illegible]

الساعات

[illegible]

الاوقات

[illegible]

دقائق الكواكب

ستاره و [illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

السيارات

[illegible]

الخسوف

حايل شدن [illegible]

الزلزلات

[illegible]

الكبيسة

وچون [illegible]

الجدول الرابع و العشرون فی معرفة خط القبلة من طول البلاد و عرضها و طوالعها و انحراف قبلتها و طول نهارها و اقالیمها

خط القبلة	[illegible]

الطول	سوسن	ساری	طوس	غزنین	انطاکیه	کابل	حلوان	سبزوار	ری	هرات	همدان	بغداد	مدینه	جیلان	دیلم	قزوین	سلطانیه	قم	حمص	آمل
	ﻩد ل	مح ما	صد ل	قد ش	عا کو	قد ﻩ	ما ل	صو ش	صد ش	صح	مج	قب	عد ک	ﻩ ک	ﻩ س	ﻩ	ﻩ ﻩ	ﻩ م	ع ﻩ	مج ﻩ
	خوارزم	مرو	نیشابور	خوی	مراغه	شوشتر	مداین	نصیبین	مشهد رضا	قابوس	شیراز	یزد	کاشان	دمشق	کوفه	فلسطین	سیرجان	موصل	سرخس	بلخ
	صد ل	سر ﻩ	صد ﻩ	عط م	ع	ﻩ	ق ل	عب ز	قط له	مح مد	فو ح	ح مد	عط ل	سو ل	صد ش	صد مد	صد ل	صد ل	صد ل	ما ح
	کرمان	شماخی	بادکوبه	ابرقوه	خوار	سمرقند	بخارا	جرجان	عانه	مکه	طالقان	عمان	نهاوند	تبریز	علانا	حلب	راس العین	رقه	دامغان	بسطام
	عب	قد ل	قد ل	مح ل	لوی	صط	صود	صد ﻩ	عولب	عری	قد ﻩ	عد ک	مح ﻩ	ف مد	سو ل	عب	عد مه	ع ﻩ	مح نه	قط ل
العرض	سوسن	آمل	ساری	طوس	غزنین	انطاکیه	کابل	حلوان	سبزوار	ری	هرات	سعدان	همدان	بغداد	مدینه	جیلان	دیلم	قزوین	سلطانیه	قم
	ل ﻩ	لو ﻩ	لو مد	ع له	له ل	له مد	له ﻩ	له ﻩ	لو لا	له مد	له ل	له ی	یح که	که مد	له مد	لو له	لز نه	لز نه	لد ﻩ	لو مد
	سقس	مرو	نیشابور	خوی	مراغه	شوشتر	مداین	نصیبین	دکده	مشهد رضا	قابوس	شیراز	یزد	کاشان	دمشق	کوفه	فلسطین	سیرجان	موصل	سرخس
	لد مد	لزم	لکا	لزم	لزﻩ	ﻩ ل	ع مد	ﻩ ل	طی	لزﻩ	قون	لط کو	لب مد	لدح	لح ﻩ	ﻩ ل	ﻩ ز	لطح	لدا	لو مد
	بلخ	کرمان	شماخی	بادکوبه	ابرقوه	خوار	سمرقند	بخارا	جرجان	عانه	مکه	طالقان	عمان	نهاوند	تبریز	علانا	حلب	راس العین	رقه	دامغان
	لط ما	لو ﻩ	م ﻩ	لط ل	ز قد	له م	لط ل	لط ل	لون	لد مد	کا م	لری	ندی	لد ک	یح مد	لد نه	له ﻩ	لون	لو ﻩ	لو ﻩ
الطالع	سوس	حلوان	جیلان	شهر نیل	خوی	مشهد رضا	بلخ	عمان	دینور	اهواز	ساوه	قسطنطنیه	آمل	سبزوار	دیلم	مرو	مراغه	قابوس	کرمان	نهاوند
	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب
	رست	جارستان	بردع	کنج کران	ساری	ری	قزوین	نیشابور	شوشتر	شیراز	شماخی	سعد اعلی	جرجان	جبشه	بحرین	سوس	هرات	سلطانیه	مرغانه	قبل طوس
	قوس	جدی	دلو	حوت	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت	حمل	ثور	جوزا	اسد
	یزد	کاشان	حجاز	بارس	بصره	وسط	غزنین	سعدانه	قسم	بیت المقدس	دجله	بادکوبه	ابرقوه	تبریز	راس العین	قبل آمل	طبرستان	بابل	همدان	هوسم
	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	حوت	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	حوت	حمل	ثور	جوزا
انحراف القبلة	یمن	ارزنکان	حلب	رحبه	انطاکیه	مطحنه	مدینه	دمشق	طرابلس	یمن	مارسنیه	اکره	دهلی	دبیل	منصوره	لهاور	تهامه	هرمز	مولتان	خانبالغ
	طرف	ح	بو	بز	یط	ش	یج	یج	عط	طرف	قد	قد	مج	سج	فا	عو	یج	عب	عب	عا
	جنوب	حمص	قیصرین	رویه کری	طرطوس	قسطنطنیه	صور	قرینه	عسقلان	خیبر	کشمیر	قلیف	لحسا	قندهار	بست	تبت	سیستان	بدخشان	بشر بالغ	قراقرﻩ
	الی	عط	ل	لا	له	لو	لی	یح	عد	الی	سط	سط	سج	سج	سه	سه	سب	سب	ما	سا
	مغرب	بیت المقدس	اسکندریه	مصر	تومو	مغرب	قرطبه	قیروان	تاهرت	[illegible]	بحرین	بلخ	ختن	کرمان	فاریاب	کاشغر	مرو	هرات	شیراز	[illegible]
	المشرق	مز	یج	نط	عو	عو	عر	فا	قز	المغرب	س	نط	یج	یج	نو	ند	نب	فا	نا	ن
الکوکب	سوس	آمل	ساری	طوس	غزنین	بدل	کابل	سبزوار	هرات	همدان	بغداد	جیلان	دیلم	قزوین	سلطانیه	قم	حمص	خوارزم	رومیه	شهر نیل
	عطارد	مشتری	مشتری	مشتری	مشتری	عطارد	مشتری	مشتری	مشتری	مشتری	عطارد	مشتری	مشتری	مشتری	مشتری	زحل	مشتری	زهره	زهره	عطارد
	مرو	نیشابور	فرغانه	بیت المقدس	قزوین	خوی	مراغه	شوشتر	قبل طرس	دجله	مداین	نصیبین	دکده	مشهد رضا	قابوس	شیراز	یزد	کاشان	فراشام	دمشق
	مشتری	مشتری	زهره	عطارد	مشتری	مشتری	مشتری	عطارد	مشتری	عطارد	عطارد	زحل	زحل	مشتری	مشتری	عطارد	عطارد	مشتری	مشتری	عطارد
	مرضحا	کوفه	فلسطین	اموت	سیرجان	موصل	سرخس	بلخ	کرمان	شماخی	بادکوبه	ابرقوه	ابهر	خوار	سمرقند	بخارا	جرجان	تکریت	طرطوس	الطعیبه
	عطارد	عطارد	عطارد	عطارد	عطارد	مشتری	مشتری	مشتری	عطارد	زهره	زهره	عطارد	مشتری	مشتری	زهره	زهره	مشتری	مشتری	مشتری	مشتری
طول النهار	آذربیجان	سوسن	آمل	ساری	طوس	غزنین	انطاکیه	کابل	حلوان	سبزوار	ری	هرات	همدان	بغداد	مدینه	جیلان	دیلم	قزوین	سلطانیه	قم
	ید لز	مد د	مد لح	مد ع	مد مد	مد کد	مد کا	مد لو	مد	مد کا	مد کد	مد کد	یح یح	مد لح	مد لح	مد لح	مد ح	مد ﻩ	مد لح	مد ش
	هوسم	حمص	خوارزم	رومیه	شهر نیل	مرو	نیشابور	فرغانه	بیت المقدس	قراسن	خوی	مراغه	شوشتر	مداین	نصیبین	مشهد رضا	شیراز	یزد	کاشان	دمشق
	مد لح	مد لو	ﻩ ﻩ	مد د	لح لح	مد لو	مد لط	مد د	مد لح	مد لح ل	مد لز	مد له	مد لح ل	مدمان	ﻩ ﻩ	مد لو	لح ﻩ	مدو	—	نه
	کوفه	فلسطین	سیرجان	موصل	سرخس	بلخ	کرمان	شماخی	بادکوبه	ابرقوه	ابهر	خوار	سمرقند	بخارا	جرجان	طرطوس	قابوس	تکریت	دکده	المصعیه
	مدح ل	یل تری	ع نا	ﻩ لح ل	مدح ل	یدلا ﻩ	لح لو	مد ﻩ	مد ع	سم	مدلا ل	ید ش	ﻩ لح ﻩ	مدن	مدلا	مدلا	ید لب	مدح ل	سا ل	مدلا ل
الاقالیم	جبشه	مکه	بغداد	طنجه	خوخو	فرنگ	ارض الصقالبه	عمان	مدینه	قیروان	طرطوس	تبت	اندلس	یاجوج ماجوج	زنگبار	صعید	طرابلس	حمص	سوکو	مامیه
	خط استوا	۲	۳	۴	۵	۶	۷	اول	۳	۳	۴	۵	۶	۷	۱	۲	۳	۴	۶	۰
	سد سکندر	نوبه	ینبع	اسکندریه	حلب	خوارزم	فاریاب	ورزفرنگ	حضرموت	طائف	قدس خلیل	موصل	بلخ	طراز	کفه	عدن	خامه	دمشق	خوی	بخارا
	۷	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۱	۲	۳ قبل	۴	۵ قبل ۳	۶	۷	۱	۲	۳	۴	۵
	کاشغر	قورستان	لاهیجان	هرموز	بعلبک	تبریز	سمرقند	قراقرم	بلغار	سراندیب	بحرین	بصره	کنجه	تام آباد	مراغه	سیلانه	کمبایت	عراق عجم	اردبیل	شروانات
	دیلم	خط استوا	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۰	۱	۲	۳	۴	۵

معرفة ابعاد البلاد	[illegible]

بقیة الجدول الرابع و العشرین فی معرفة القبلة من بقایا طول البلاد و عرضها و طوالعها و انحراف قبلتها و طول نهارها و اقالیمها و ابعاد الاجرام

بقیة خط القبلة	[illegible]

بقیة الطول	مرزبان	صفهان	فارس	اهواز	جبشه	بصره	هرمز	سوادکوه	ساوه	بردع	قسطنطنیه	بحرین	واسط	طبرستان	طبریه	زرشیز	طبس	تون	قاین	بدخشان
	بط ل	فو ﻩ	فد	نه ﻩ	سه	قد	قط ﻩ	عط ل	نه	یح ﻩ	بط ﻩ	یح مد	نا ل	یح ﻩ	فط له	صح	صب	صح	یح ﻩ	ند که
	خجند	کاشغر	ختن	هرموز	اردبیل	حمص	سیستان	میمند	بحر کابل	مکران	کنج کران	منصوره	مولتان	قندهار	لهاور	کشمیر	بیت المقدس	ارزن الروم	نخجوان	سرخس
	ف له	فول	دو ﻩ	صد ﻩ	صد ح	صح نا	صد نا	قانه	قد ﻩ	صح ﻩ	صط ﻩ	نه ﻩ	فزله	فو ﻩ	قبا ﻩ	فح	سل	عو ﻩ	ناله	عطما
	اصطخر	کرمانشاه	جلفادقان	استرآباد	الموت	سمنان	ولیجان	ارض المعروف	سهرب	شهر نیل	فرغانه	فرمیس	رومیه	رکده	دجله	تکریت	ابهر	طرطوس	دینور	بیهبان
	فح ل	مح ﻩ	ﻩ ل	فط له	ﻩ کز	مح ﻩ	ﻩ ن	ﻩ ﻩ	نه ﻩ	یح ﻩ	ماﻩ	فح مد	نه ح	فز مد	ﻩ ﻩ	مح ﻩ	فد ل	ح م	قا ل	مح مد
بقیة العرض	بسطام	مرزبان	صفهان	فارس	اهواز	جبشه	بصره	هرمز	سوادکوه	ساوه	بردع	قسطنطنیه	بحرین	واسط	طبرستان	طبریه	زرشیز	طبس	تون	قاین
	لو ی	لو ی	لب که	کو نه	ز ﻩ	ط ل	لح	له ﻩ	لز ل	لز ل	م ل	ﻩ ﻩ	که ﻩ	لد ک	لد ک	لو ی	له ل	یح	لد ل	لح م
	جشان	خجند	کاشغر	ختن	هرموز	اردبیل	حبیص	سیستان	میمند	بحر کابل	مکران	کنج کران	منصوره	مولتان	قندهار	لهاور	کشمیر	بیت المقدس	ارزن الروم	نخجوان
	لو ی	ماﻩ	مد ﻩ	مد ﻩ	که ﻩ	لح ل	ز ح	لد ل	لح ش	له ش	کوﻩ	یح مد	ﻩ م	الطم	لح ط	ﻩ ز	له ﻩ	لا ن	لطم	لح ﻩ
	سرسرای	اصطخر	کرمانشاه	جلفادقان	استرآباد	الموت	سمنان	ولیجان	ارض المغرب	سهرب	شهر نیل	فرغانه	درمهن	رومیه	دجله	تکریت	ابهر	طرطوس	دینور	خوارزم
	لد ﻩ	ل ﻩ	لد ل	لد له	لون	لوکا	لو ﻩ	لد له	لب ﻩ	لو ل	ل ک	مب که	لد ل	ماﻩ	لح کو	لد ل	لو ﻩ	لرص	لدنظ	مب
بقیة الطالع	فرامهن	مداین	فراه شاه	ابهر	فاریاب	رقه	قبل ساری	طبریه	انطاکیه	بغداد	حبیص	نصیبین	دمشق	خوار	ارض مغرب	لحو	توس	زرشیز	کابل	مدینه
	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	حوت	جوزا	سنبله	میزان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	حوت	حمل	ثور
	حران	دکده	مدینه صبا	سمرقند	فاسدان	سپهان	سوادکوه	حبس	خوارزم	کوفه	بخارا	انطاکیه	دامغان	تون	رومیه	فلسطین	جرجان	علانا	بسطام	قاین
	جوزا	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	حوت	جوزا	سنبله	میزان	عقرب	قوس	حوت	جوزا	سنبله	میزان	عقرب	قوس	حوت
	سیرجان	طرطوس	حلب	زنیان	بدخشان	موصل	عانه	صفهان	خجند	سرخس	مکه	ابیورد	کاشغر	طالقان	قهستان	ختن	اردبیل	هرموز	قندهار	کشمیر
	سنبله	میزان	عقرب	قوس	حوت	سنبله	میزان	قوس	حوت	سنبله	میزان	قوس	حوت	میزان	قوس	حوت	حوت	حوت	حوت	حوت
بقیة انحراف القبلة	سمرقند	بخارا	خجند	تون	زرشیز	سرخس	بالک	المالغ	نشابور	طوس	سبزوار	طراز	یزد	تفلیس	مراغه	سن	طنجه مغرب	سوس مغرب	سن	جین دین
	مط	مط	یح	یح	یح	مز	مو	مو	مد	مج	مب	مب	مب	یو	به	جانب	غد	عه	جانب	فا
	رامهرمز	صفهان	دامغان	سمنان	خوارزم	استرآباد	بصره	کاشان	قم	شوشتر	ری	ساری	ساوه	بغداد	نخجوان	ارشما	حری حس	نوبه	ارشما	سومنات
	م	نط	لح	لز	لز	لو	لو	له	لب	لب	لا	لا	یح	ع	ب	الی	ع	صد	الی	غا
	قزوین	ابهر	شهرزور	کوها	لاهیجان	همدان	شماخی	بادکوبه	بلغار	دربند	بردع	اردبیل	تبریز	کوفه	سرسرای	الحصف	راس عین	صعر	[illegible]	سرندیب
	کز	که	کد	کد	کج	کب	ک	ک	یط	یح	مو	یب	ذ	یب	ذ	المشرق	کب	صفر	المغرب	سو
بقیة الکوکب	عانه	مکه	طالقان	سجستان	عمان	نهاوند	تبریز	ارض مغرب	علانا	حلب	زرت	دینور	سجستان	راس العین	رقه	لحو	بیهبان	دامغان	بسطام	مرزبان
	مشتری	مشتری	مشتری	زحل	مشتری	مشتری	عطارد	عطارد	عطارد	عطارد	مشتری	مشتری	مشتری	مشتری	مشتری	مشتری	مشتری	مشتری	مشتری	مشتری
	سنجار	همدان	صفهان	فارس	شهر صغر	اهواز	بصره	قبل آمل	فرس	سوادکوه	ساوه	بردع	قسطنطنیه	واسط	طبرستان	طبریه	قبل [illegible]	زرشیز	طبس	تون
	مشتری	مشتری	عطارد	عطارد	عطارد	زحل	عطارد	عطارد	مشتری	مشتری	مشتری	مشتری	زهره	مریخ	عطارد	مشتری	مشتری	مشتری	عطارد	مشتری
	قاین	بدخشان	خجند	کاشغر	ختن	اردبیل	حبیص	سیستان	میمند	بحر کابل	مکران	کنج کران	منصوره	مولتان	قندهار	لهاور	کشمیر	٤	٤	٤
	عطارد	مشتری	زهره	مریخ	زهره	عطارد	عطارد	عطارد	عطارد	مشتری	مشتری	عطارد	عطارد	عطارد	عطارد	عطارد	عطارد			
بقیة طول النهار	مکه	عانه	طالقان	عمان	نهاوند	تبریز	ارض مغرب	سلانا	حلب	دینور	راس العین	رقه	لحو	بیهبان	دامغان	بطام	مرزبان	حمه همدان	صفهان	مدینه فارس
	یح طه	مد لو	مد ع	سع م	مدوم	مد لط	مدو	مدوﻩ	مد کو	مد کا	ید ل	مد ﻩ	مد کط	مد ﻩ	مد کط	مدلح	مدلح	مدح	ع نا	
	سهر صغر	اهواز	جبشه	بصره	قبل آمل	قبل ساری	فرس	سوادکوه	ساوه	بردع	قسطنطنیه	بحرین	واسط	طبرستان	طبریه	زرشیز	طبس	قاین	تون	بدخشان
	ﻩ لو	مدا	مح ل	ع لو	مدلح ل	مد ل	مد که ل	مدح ل	مد کا	مدو	ﻩ که	ع له	مدوم	مدح ل	مدلل	مد کا	مد ما	مدح ل	مدمدم	مدلدم
	خجند	کاشغر	ختن	هرموز	اردبیل	حبیص	سیستان	میمند	بحر کابل	مکران	کنج کران	منصوره	مولتان	قندهار	لهاور	کشمیر	سجان	سجستان	سجار	قبر هوان
	ﻩ ح ل	ﻩ ع	ﻩ و	ع لح	ع ط	مدا	مدح ل	سم	مد کا	م لط	ع مز	ع ش	ع له	مدا	ﻩ ی	مد کا	مد لب	مدم	مد لد	۲ لح
بقیة الاقالیم	جابالغ	جابلص	نوح بهد	کل فارس	قزوکاتان	قیساریه	قسطنطنیه	چین ماچین	منصوره	حلوان	قزوین	قرینه	الحربی	صفهان	جیلان	عموریه	الحربی	یزد	ری	المورید
	۰	اقلیم اول	۲	۳	۴	۵	۶		۲	۴	۵	۲	۲	۳	۴	۵	۲	۳	۴	۵
	فارس	کرمان	طبرستان	رومیه	قصه کرمان	قندهار	تام خراسان	سوس	کنج کران	بدخشان	بردع	ارض مغرب	کشمیر	فرغانه	شهر نیل	لاهور	بادکوبه	زابل	خطه ختا	مجسمه
	۲	۳	۴	۵	۲	۳	۴	۵	۳	۴	۵	۳	۴	۵	۳	۴	۵	۳ قبل	۴ قبل	۵
	لهاور	کاظل	میمند	طبریه	سوس	بابل	فلسطین	طالقان	عانه	همدان	مولتان	کابل	غزنین	تکریت	شوشتر	مرو	اکره	دبل	جرجان	هرات
	۳	۴	۳	۴	۳	۴	۳	۴	۳	۴	۳	۴	۳	۴	۳	۴	۳	۴	۳	۴

ابعاد الاجرام	[illegible]

بقية الجدول الخامس والعشرين في معرفة المسافة بين البلاد المشهورة بالخط المستقيم علامة والخاء الفراسخ واللام المنازل علامة

الاسترآباد	الشماخي	قندهار	[illegible]	[illegible]	[illegible]	الرّكة	[illegible]	سرانديب

الجدول الخامس والعشرين في معرفة المسافة بين البلاد المشهورة بالخط المستقيم علامة المنازل واللام والخاء علامة الفراسخ

مكة	صنعا	اصفهان	البغداد	الموصل	[illegible]	مصر	هرات	[illegible]

الجدول السادس والعشرون فی ادعیة السفر والادویة التی تزیل علل الاعضاء فیه غیره الاوجاع والامراض سریعا فی من

عند الصداع [illegible]

عند وجع الاسنان [illegible]

اللهم اذ رزقنی طولها وافضلها ذرتا وخیر ما عاقبة وبکونها اللهم ان کانت عظیم البرکة فاصلة المنفعة میمونة الناصیة فتیسر لی شرائها وان کانت غیر ذلک فاصرفنی عنها الی الذی هو خیر منها فانک تعلم ولا اعلم وتقدر ولا اقدر وانت علام الغیوب بعای سواری در سرکیشی مرکب دو در جدول حضرت اما علی النوع کذشت

[illegible]

چون عصا از بادام تلخ بردارد ابر و لما توجه تلقاء مدین قال عسی ربی ان یهدینی سواء السبیل فلما ماء مدین تا علی ما نقول وکیل که در سوره قصص مذکور است نکاه دارد حق تعالی او را از شر دزدان و ددان و هر چیز مضر باشد و باید این شکل را نوشته بر کاغذ میان عصا نهند [illegible]

عند الخوف من السبع [illegible]

عند الخوف من السلطان [illegible]

عند الحاجة [illegible]

عند الخوف من الغرق [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم وما قدروا الله حق قدره اذ قالوا ما انزل الله علی بشر من شیء قل من انزل الکتاب الذی جاء به موسی نورا وهدی للناس تجعلونه قراطیس تبدونها وتخفون کثیرا وعلمتم ما لم تعلموا انتم ولا آباؤکم قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون بسم الله مجریها ومرسیها ان ربی لغفور رحیم تمت

للحفظ من علة [illegible]

الکسر والخلع [illegible]

وجع المفاصل والنقرس [illegible]

بقیة الجدول السادس والعشرین فی ادویة مصححة سریعة الاثر لعلل الاعضاء التی تجد فی السفر غالبا

للصداع [illegible]

لبیاض العین [illegible]

لظلمة العین [illegible]

لوجع العین [illegible]

لحرقة الفم [illegible]

لالم العین [illegible]

لوجع الاسنان [illegible]

لوجع البواسیر [illegible]

للصرع [illegible]

الجدول السابع والعشرین فی معرفة اختلاجات الاعضاء من قول الصادق و دانیال النبی

[illegible]	مراد جستن تمام سر است و دلالت کند بر پدید شدن شادی و طرب و رفع غم و تازه شدن دوستی با کسی که گمان نباشد و بقول اسکندر دال است بر عزت و بزرگی و بقول حکما حلول [illegible]	[illegible]	دلیل است بر توسعه رزق و آسانی معیشت و یا شرف و بلندیست و یا غنیمت یافتن از سفر و بقول حکماء فرس و حکماء روم گویند که بطلب امری بزرگ خواهد رفت	[illegible]	مراد کله سر است که مشتمل بر هفت استخوان است [illegible] و جستن آن دلالت کند با نیک اندک فکری خواهد دید و یا آزاری از دیگری با و خواهد رسید و نجات خواهد یافت یا شرفی عظیم بمشقت بدست آید	[illegible]	پیشانیست جستن آن موجب شهرت گردن به نیکی و یا رسیدن بشرف و بزرگی و عزت بین الناس یا بلند شدن رتبه است نزد سلطان و یا شادی روی دهد و بعضی گویند که حکومت یابد
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	نشانه فکر فاسد است و یا خبری که شنود که از آن دلگیر شود و اسکندر گوید تنگی بوی روی کند و زود برطرف شود و یا نعمتی یابد بعد از تنگدستی و نزد حکماء روم نشان خرمیست بعد از ترس	[illegible]	از شنیدن خبری یا واقع شدن آن شاد گردد و یا غایب او در رسد و یا توسعه معیشت یابد بعد از تنگدستی و حکماء روم گویند خرمی یابد بعد از غم و ایمنی یابد بعد از خوف بسیار	[illegible]	جستن میان دو ابرو است نشان سر زدن عمل زشتست از وی یا شنیدن حرفی که از آن بخشم آید و بعضی گویند مکروهی یابد و حکماء روم گویند یا در رسد چیزی از آرزو [illegible]	[illegible]	دلیل است بر شادی چشم و روشنی و یا خرمی و صرفه است و بقول اسکندر خیر نیکیست و بقول حکماء بهره عظیم از مال و نیکنامی و خیر بسیار است
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	از راست علامت آمدن غایبست یا بدکور شدن [illegible] یا صحت از مرض یا بیرون آمدن از درویشی یا سعادت و از چپ خوشحالی و شفا از مرض یا دفع مکروه یا سعادتمند شدن یا گشایش است	[illegible]	مراد تمامی چشم است پس اگر دیده راست جهد راحت بعد از زحمت یا صحت بعد از مرض یا برطرف شدن شر و دیدن خیر یا بلند شدن مرتبه است و از چپ اندوه مند شدن و برطرف گردیدن هم و غم یا بشارت یا سلامتی یا صرفه است	[illegible]	جستن آن طرف بینی دلالت کند بر دیدن یار و رسیدن خبری که از آن شاد گردد یا دلگیر شدن بنحوی که مشغول آن گردد و یا دادن [illegible] چیزی در او که فضل او نباشد یا فرقت یافتن بر حرف دشمنان	[illegible]	دال است بر دیدن چیزی منکر که طبع از آن نفرت کند یا رسیدن چیزی که دوست داشته باشد و یا یافتن سعادت تازه و یا ظفر بر دشمنان یا صرفه یافتن از حصول چیزی که در آرزوی آن باشد
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	از راست نشانه خوشحالیست از تولد مولود و یا روی دادن عمل تازه و یا مردن بعضی از خویشان و یا ادای دین و راحت خاطری و از چپ برطرف شدن خوف و بیم و یا شاد شدن از رسیدن چیزی یا دوستی با آن روشن گردد	[illegible]	هر جائی از زبان که بجهد باعث تعبیه دشواریست و یا وقوع امر خطرناک و دیدن چیزیست که از آن غمگین شود و عاقبت بفرح انجامد و یا غایبی ورا برسد که باعث کلفت خاطر او باشد	[illegible]	مراد جستن مجموع دهن است دلالت کند بر معانقه کردن با غایبی که مطلوب او باشد و یا دیدن چیزی که موجب خوشحالی باشد و نزد حکما دلیلست بر سفر کردن نزدیک و یا رسیدن بجاه و منزلت عالی	[illegible]	در فارسی بزنخ و زنخدان گویند علامت برطرف شدن علت و حاصل شدن عافیت است بعد از مرض و بگفته اسکندر علامت شاد مانیست و نزد حکما تعب کشیدنست بفایده و یا مرض اندکیست
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	پس دوش است یعنی شانه اختلاج آن دلیل تازه شدن ذکر خیر است و یا پوشیدن جامه نو و اسکندر گوید زیادتی در متاع او بهم رسد و بقول بعضی [illegible] اختلاط کند	[illegible]	دلیل است بر خرمی و فرح و یا صرفه بردن از چیزی که [illegible] و رتبت و بعضی گویند علامت تازه شدن خوشحالیست بوصول مطلب اعظم	[illegible]	مراد مجموع بازوست از سر دوش تا مرفق جستن هر عضو از آن دلیل بهبود و شفا و بقولی رسیدن درد اندک علتی و برطرف شدن آن و یا رسیدن اندک درد که دوا نداشته باشد	[illegible]	علامت خوشحالی و جمعیت است یا اختلاط است نافع و یا خرمی و صرفه و یا دیدن نفعی است از کسی که صاحب اوست و نزد حکماء روم وقوع شر کلیست نیکو
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

بقیة الجدول السابع والعشرین فی معرفة بقیة اختلاجات من قول الصادق و دانیال النبی

[illegible]	مراد کتفهای عظم است از عضد و ساعد اختلاج آن دلیلست بر بیماری و شفای از مرض اندک و یا نجات از مکروه و نزد بعضی [illegible] دشمنان است [illegible] فتح و ظفر بر دشمنان غالب که دزد و دشمن خجل شود	[illegible]	دلیلست بر تحصیل خیر و یا رسیدن خرمی و چشم روشنی و یا خوشحالیست بسبب حصول مقصود و یا حرفت از مردم نسبت بد و بقول حکماء روم رتبه او بلند شود و بزرگ خلایق گردد	[illegible]	ساعد است از بند دست تا مرفق جستن هر عضوی از آن دلیلست بر [illegible] و بقول صادق نکاح تازه است و بقول [illegible] خوشحالیست در فراش و جمع شدن با محبوب [illegible]	[illegible]	علامت رسیدن رزق بسیار است و یا خوشحالیهای تازه و سعادت تازه و نزد حکما پیدا شدن سربلندیست میان مردم و تفوق بر همگنان است
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	در هر یک از [illegible] اختلاج آن علامت گفته شدن سخنان بد است در حق او و اسکندر گوید در خلاف خواهد افتاد بسبب جرمی که از او صادر گردد	[illegible]	علامت آنست که در حق او خواهند گفت سخنانی که مکروه وی باشد و یا فاش گردد سخنانی که در حق او گفته باشند و بعضی گویند نسبت داده شود باو افعالی که بد باشند	[illegible]	نشانه رسیدن زر است بسعی بسیار و یا ظاهر شدن دشمنیست و بقول بعضی از حکماء عزتست میان خلق عالم و شهرت گرفتن به نیکنامی	[illegible]	علامت ظفر یافتن است بر دشمن و در سینه و بقول حکما صلح است بعد از جنگ و شادیست بعد از غم
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	مفردش خاطره یعنی تهیگاه است جستن آن از هر طرف دال بر شادمانی و خرمی و بهره یافتن از زر و سیم دنیا و از هر چه اراده نماید	[illegible]	خرم شدنست از آمدن غایبی و از طرف چپ کار مکروه است و از راست اندک همی که زود برطرف شود و در [illegible]	[illegible]	قوت یافتن است بمال بسیار و خرمی بسبب رزق [illegible] و اگر در کمر بند باشد دلیلست بر برطرف گردیدن محنت و بهره بردن از مال و نکاح زن جمیله	[illegible]	[illegible] جستن آن نشان بسیار شدن عیال است و یا رسیدن بروزی حرام و نزد بعضی علامت زیاد شدن اولاد و حشمت
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	ران راست است جستن آن مذکور شدن او به نیکی و اعتقاد مردم بر خوبی او بنحوی که هر چه بگوید راست آید و از سخن وی بیرون نروند	[illegible]	دلالت کند بر اینکه اندک غمی او را عارض شود و یا برطرف هم و دل گیریست غایبی هم بوی رسد از جائی که گمان نداشته باشد	[illegible]	دلیلست بر خوشحال شدن بسبب خبری که او طالب آن باشد یا فرج و مطلق خرمیست و یا صرفه تازه بسبب رسیدن خبری و کفایت شدن شر دشمنت	[illegible]	نشان سروری یافتن است بزر و سیم دنیا و متاع آن و رسیدن بهره بزرگ از مال ملک و حیوانات و غیره
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	مراد مجموع بطن پاهاست خواه اجزاء آن که بر زمین رسد از ره رفتن یا نه جستن آن از راست رو آوردن اندک همی و از چپ نشانه سعی و غنیمت است	[illegible]	در انگشتهای پای راست آمدن غایب و در چپ رسیدن [illegible] اندک تکبر و از چپ بلندی و در وسطی راست خصومت و در چپ شادی و در کوچک از راست خوشحالی و از چپ دولت	[illegible]	در هر یک از ناخنهای پای راست روی دادن آشوب و فتنه است و در ناخنهای پای چپ هر یک خرمی و خوشحالی و رسیدن بکام و دست دادن سعادت است	[illegible]	عضوی که اختلاجش خوب نباشد یا کسی خواب پریشان بیند بگوید اللهم لا طیر الا طیرک و لا خیر الا خیرک و لا اله غیرک [illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

بقية الجدول الثامن والعشرين في ادعية علل الاعضاء المنقولة عن الائمة عليهم السلام

للحمى
لسوء الخلق
للفزع في المنام
لوجع الخاصرة
للصرع
للسل
لوجع الظهر
لوجع الفخذ
لوجع الجسم

الجدول الثامن والعشرون في ادعية علل الاعضاء وصلوتها المنقولة عن الائمة عليهم السلام

لوجع الرأس
الشقيقة
لوجع السن
لوجع الاذن
لوجع البطن
لوجع الفرج
لعلل البواسير
لوجع المثانة
للنفخ

الشقيقة:

دست بر شقیقه بگذارد و سه بار بگوید یا ظاهراً موجوداً ويا باطناً مفقوداً اردد على عبدك الضعيف اياديك الجميلة عنده واذهب عنه من اذى ما نزل به انك رحيم ودود قدير بسم الله الرحمن الرحيم ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب وآن مسكين بیاید یک دانه و صیفی از خود زرع بکوبد و سه بار سوره اخلاص بر آن بخواند و بخورد والله اعلم

لوجع العين:

بسم الله لا يضر مع اسمه داء واعوذ بكلمات الله التي لا يضر معهن شيء قدوس قدوس اسئلك باسمك الطاهر المقدس المبارك الذي من سئلك به اعطيته ومن دعاك به اجبته اسئلك يا الله يا الله يا الله ان تصلي على محمد واهل بيته وان تعافيني مما اجد في سمعي وبصري وفي يدي ورجلي وفي بطني وفي ظهري وفي شعري

للزكام:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود الزکام جند من جنود الله عز وجل يبعثه على الداء فيزيله اذا الا واداب ابي عبد الله ع منقولست تأخذ دهن بنفسج في قطنة فاحتمله في سفلتك عند منامك فانه نافع للزكام ان شاء الله و گویند اکثر امراض از زکام ناشی میشود و لهذا امام علیه السلام فرمود که نباید دعا کرد و دعایش دعائی وارد نشده است

بقیّة الجدول التّاسع والعشرون فی ذکر الصّلوة المرویّة عن الأئمّة علیهم السّلام

صلوة العفو	برظرف با کره زعفران بنویسد اعوذ بکلمات الله واسمائه کلّها عامّة من شرّ السامّة والهامّة والعین اللامّة ومن شرّ حاسد اذا حسد فاتحه واخلاص ومعوذتین و آیه از اول سوره بقره و آیه والهکم اله واحد... و آیة الکرسی آمن الرسول تا آخر سوره و ده آیه از اول آل عمران و ده آیه از آخران و آیه اول از سوره نساء و مائده و انعام و اعراف و آیه سحره و آیه قال موسی ما جئتم به السحر ان الله سیبطله و اوحینا الی موسی ان الق عصاک...	[illegible]
صلوة الحاجة	دو رکعت در هر رکعت فاتحه و سه بار آیه الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین و بعد از فراغ بسم الله استشفع بنبیک محمد صلی الله علیه و آله یا محمد استشفع بک ربی فی قضاء حاجتی وهو هذا المرض یا الله سه بار یا رحمن یا رحیم یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام رحمتک... [illegible]	[illegible]
صلوة لحفظ القرآن	[illegible]	[illegible]
صلوة الرزق	[illegible]	[illegible]
صلوة الکرب	[illegible]	[illegible]
صلوة الغنی	[illegible]	[illegible]
صلوة لطلب الولد	[illegible]	[illegible]
صلوة الخوف من الظالم	[illegible]	[illegible]
صلوة لقضاء الدین	[illegible]	[illegible]

الجدول التّاسع والعشرون فی ادعیة متفرقة مرویّة عن الائمّة المعصومین علیهم السّلام

دعاء لدفع الشّکل	[illegible]	شب بعد از فراغ از نماز تهجد دست بردارد و بگو اللهم طمّه بالبلاء طمّا وعمّه بالبلاء عمّا وقمه بالاذی قمّا وارمه بیوم لا معاد له وساعة لا مردّ له واقبح جرمه وصلّ علی محمّد وآله واکفنی امره وقنی شرّه واصرف عنّی کیده واخرج وسدّ فاه عنّی وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا وعنت الوجوه للحیّ القیوم وقد خاب من حمل ظلما احوا فیها ولا تکلمون... صه چند شب مداومت نماید دشمن سرنگون و منکوب گردد و بر او ظفر یابد
دعاء النّعاس	[illegible]	برآب باکره بخواند ولمّا جاء موسی لمیقاتنا وکلّمه ربّه قال ربّ ارنی انظر الیک قال لن ترانی ولکن انظر الی الجبل فان استقرّ مکانه فسوف ترانی فلمّا تجلّی ربّه للجبل جعله دکّا وخرّ موسی صعقا فلمّا افاق قال سبحانک تبت الیک وانا اوّل المؤمنین — و از آن آب بر سر و صورت زن بپاشند
دعاء لدفع الحمی	[illegible]	[illegible]
دعاء للرزق	[illegible]	[illegible]
دعاء آخر للرزق	[illegible]	[illegible]
دعاء لطلب الرزق	[illegible]	[illegible]
دعاء لدفع العین	[illegible]	[illegible]
دعاء لحفظ النفس	[illegible]	[illegible]
دعاء لطلب الولد	[illegible]	[illegible]

الجدول الثلثون فی ذکر سلاطین الارض وطوائف الامم ومدة سلطنتهم من لدن آدم

[illegible]	[illegible]
ملوك [illegible]	[illegible]
ملوك الكلدانيين	[illegible]
ملوك [illegible]	[illegible]
ملوك [illegible]	[illegible]
ملوك [illegible]	[illegible]
ملوك [illegible]	[illegible]
ملوك [illegible]	[illegible]
ملوك [illegible]	[illegible]

بقیة الجدول الثلثون فی ذکر سلاطین الارض وطوائف الامم ومدة سلطنتهم من لدن آدم

ملوك [illegible]	[illegible]
ملوك الكيانية	[illegible]
ملوك [illegible]	[illegible]
ملوك الأكاسرة	[illegible]
ملوك [illegible]	[illegible]
ملوك السلاجقة	[illegible]
ملوك [illegible]	[illegible]
ملوك [illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]

الجدول الحادي والثلاثين في ذكر تواريخ الخلفاء من الاموية والعباسية الغاصبين لحقوق الائمة

معوية	[illegible]	يزيد	پسرش معاویه علیه الهاویه و مادرش میسون بنت بجدل کلابیه و تولدش در سنه خمس و عشرین از هجرت بلند آواز و سیاه چهره ابله رو بود و در بینی علامت زخمی داشت سه سال و هشت ماه بعد از پدر ملعونش حکومت کرد و بعد از قتل امام حسین مرضی سخت بهم رسانید شکم نحسش از عفونت شد ... ربیع الاول سال شصت و چهارم از هجرت بجهنم واصل شد	معوية بن يزيد	[illegible]
مروان اللعين	[illegible]	عبد الملك	[illegible]		
الوليد	[illegible]	سليمان	پسر دیگر عبد الملک است که در روز فوت ولید برادرش در رمله بوی بیعت کردند طویل القامة جمیل الوجه فصیح اللسان آدمی صاحب عجب بود و از خون ناحق احتراز مینمود و اکول بود که روزی یکصد رطل طعام میخورد و فوتش در دابق ارض قنسرین روز جمعه بیستم صفر سنه تسع و تسعین و مدت خلافتش دو سال و هفت ماه و عمرش چهل و پنج سال بود	عمر بن عبد العزيز	[illegible]
يزيد	[illegible]	هشام	پسر عبد الملک است که عبد الملک وصیت کرده بود سلیمان پسر خود را که ولایت خود را بوی ده از آنکه بعد نفس خود سلیمان ولایت را بوی نداد آخر بعد از برادرش یزید خلافت بوی منتقل گشت قامت چهار دانگه و احول منقلب العینین جمیل الوجه و موهایش همه سفید و خضاب بسواد مینمود فوتش در رصافه در ششم ربیع الاول سنه خمس و عشرین ماه بود و ابو مسلم بروی نماز کرد و مدت خلافتش نوزده سال و هفت ماه و یازده روز و عمرش پنجاه سه سال و بقولی پنجاه و چهار سال و چند ماه بود و بر پدرش لعنة الله	الوليد بن يزيد	[illegible]
[illegible]	[illegible]	مروان الحمار	[illegible]		
السفاح ابو العباس	[illegible]	المنصور	عبد الله محمد بن علی مکنی بابی جعفر تولدش در سنه خمس و تسعین و در عهد برادر ولایت ری مفوض شد و کنیت دیگرش ابو الدوانیق است ... طعام بمردم میداد و برای مخالفت اهل بیت رسول فوتش در ششم ذیحجه سنه ثمان و خمسین و ماه ... مدت خلافتش بیست و یکسال و نه ماه و یازده روز بغداد را او بنا کرد و دعوی اسلام نمود چندین مرتبه قصد قتل حضرت صادق کرد و حقتعالی آنحضرت را از شر او نگاه داشت	المهدي	[illegible]
الهادي	[illegible]	الرشيد	مسمی بهرون مکنی بابی جعفر پسر دیگر مهدی است که بعد از فوت هادی برادرش متصدی خلافت شد تا در طوس وفات یافت در ربیع یا جمادی الآخر سنه ثلث و تسعین و ماه و مدت ولایتش بیست و سه سال و یکماه و شانزده روز تولدش در سنه خمسین و ماه یا سبع و اربعین ماه یکسال حج و یکسال غزا مینمود	الامين	[illegible]
المأمون	[illegible]	المعتصم بالله	[illegible]		
الواثق بالله	[illegible]	المتوكل على الله	جعفر بن معتصم مکنی بابی الفضل بعد از فوت الواثق بالله برادر خود بخلافت نصب شد چهارده سال و نه ماه و ده یوم حکومت کرد و آخر ترکان او را شب چهارشنبه چهارم شوال سنه سبع و اربعین و مأتین کشته شد مولدش سنه ست و مأتین بود	المنتصر بالله	[illegible]

بقية الجدول الحادي والثلاثين في ذكر تواريخ بقايا الخلفاء الاموية والعباسية الغاصبين لحقوق الائمة

المستعين بالله	احمد بن المعتصم است عم منتصر که بعد از فوت منتصر برادرزاده خود بخلافت قیام نمود در محرم سنه اثنین و خمسین و مأتین وی را خلع نمودند و مدت خلافت او سه سال و نه ماه و در شوال همان سال غرق و بقولی کشته شد مولدش سنه ثمان و عشرین و مأتین	المعتز بالله	[illegible]	المهتدي بالله	محمد بن الواثق بن المعتصم است و بعد از معتز ابن عم خودش بخلافت قیام نموده موصوف بزهد و ورع بود و بدستور عمر بن عبد العزیز راه میرفت تا هنگام فوت که در دوم رجب سنه خمسین و مأتین ملک او یازده ماه و هفده روز مولدش سنه ثمان و تسع و عشرین و مأتین
المعتمد على الله	[illegible]	المعتضد بالله	[illegible]		
المكتفي بالله	ابو محمد علی بن معتضد است که بعد از پدر خود ... بخلافت نصب شد ... مولدش سنه خمس و تسعین و مأتین مدت خلافتش شش سال و شش ماه و بقولی پنجسال بود بعد از فوت او برادرش مقتدر نصب شد	القاهر بالله	[illegible]	الراضي بالله	ابو العباس محمد بن جعفر المقتدر است که بعد از خلع قاهر عم خود خلافت بوی رسید تا روز فوتش شانزدهم ربیع الاول سنه تسع و عشرین و ثلثمائه مدت امارت او شش سال و دو ماه و ده روز مولدش سنه تسع و سبعین و مأتین عمرش پنجاه سال
المتقي بالله	[illegible]	المستكفي بالله	اول ابو القاسم عبد الله بن المکتفی بن معتضد است که بعد از خلع متقی پسر عم خود منصوب گشت تا هنگامیکه او نیز خلع و نابینا کردند در حبس بیست و دوم جمادی الآخر سنه اربع و ثلثین و ثلثمائه مولدش سنه ثمان و تسعین و مأتین و ثانی ابو الفضل بن المقتدر که بعد از خلع مستکفی عمزاده خود خلیفه شد تا هنگامیکه مفلوج گردیده و خود را خلع کرد در چهارشنبه ثالث عشر ذیقعده در سنه ثلث و ستین و ثلثمائه بود و بعد از آن فوت شد خلافتش بیست و نه سال و چهار ماه ... مولدش سنه احدی	المطيع لله	[illegible]
الطائع لله	[illegible]	القادر بالله	[illegible]		
القائم بامر الله	[illegible]	المستظهر بالله	مکنی بابی العباس مسمی باحمد بن المقتدی بامر الله که بعد از پدر خود متولی امر خلافت شده خلافتش استمرار یافت تا هنگام فوتش که لیلة الاحد سابع و عشرین ربیع الآخر سنه اثنی عشر و خمسمائه و مدت خلافتش بیست و پنج سال و چند ماه و مولدش سنه ثمان و ستین و اربعمائه بود و در ایام عمر که چهل و چهار سال بود ... [illegible]	المسترشد بالله	[illegible]
الراشد بالله	ابو جعفر منصور بن المسترشد است که دوشنبه ثامن عشرین ذیقعده سنه تسع و عشرین و خمسمائه بخلافت رسید و در شنبه خامس عشر ذیقعده سنه ثلثین و خمسمائه سلطان مسعود داخل بغداد شده بموصل گریخت و در آنجا بود و در صفهان کشته شد در رمضان سنه ثلثین و خمسمائه مدت سلطنتش دو سال شده مولدش بعد از خمسمائه بود	المقتفي لامر الله	[illegible]	المستنجد بالله	یوسف بن المقتفی است مکنی بابی المظفر بعد از فوت ... خلافت یافت تا آنکه فوت شد در بغداد یوم السبت هشتم شهر ربیع الاول سنه ست و ستین و خمسمائه مدت خلافتش یازده سال ... تولدش ربیع الآخر سنه ست و عشرین و خمسمائه بود
الناصر لدين الله	[illegible]	الظاهر بامر الله	[illegible]		
المستضيء بامر الله	ابو محمد حسن بن المستنجد است که بعد از فوت پدر قبل از ناصر الدین الله بخلافت نصب شد یوم الاحد عاشر ربیع الآخر سنه ست و ستین و خمسمائه وفاتش در ثانی ذیقعده سنه خمس و سبعین و خمسمائه از هجرت نبوی مدت سلطنتش نه سال بود	المستنصر بالله	[illegible]	المستعصم بالله	ابو احمد عبد الله المستعصم مردی بود ضعیف الرای بعد از منتصر ... قتلش ... ست و خمسین و ستمائه بهلاکو ... بهلاکو کشته و دولت بنی عباس منقرض شد در بیستم محرم همان سال

الجدول الثاني والثلاثين في ذكر ملائكة العلويين والسفليين وحصر المذاهب والملل

الملائكة	[illegible]		
الروحانيين	[illegible]	الكروبيين	[illegible]
فصائل الارض	[illegible]		
انواع الارض	[illegible]		
الوثنية	[illegible]	البراهمة	[illegible]
طوائف الجن	[illegible]		
اليهود	[illegible]		
النصارى	[illegible]	التناسخية	[illegible]
المجوس	[illegible]		

بقية الجدول الثاني والثلاثين في ذكر حصر المذاهب والاديان فيما بين الآدميين وغيرهم

الفلاسفة	[illegible]		
الصفاتية	[illegible]	المجسمة	[illegible]
الصابئين	[illegible]		
المعتزلة	[illegible]		
الجبرية	[illegible]	المرجئة	[illegible]
الخوارج	[illegible]		
الغلاة	[illegible]		
الزيدية	[illegible]	الغالية	[illegible]
الامامية	[illegible]		

مُحمّد حمد املا الخافقين أين لنا لاين كيف وبين وهو نظام الدرر الفاخرة	ما طلع الفجر من المطلعين وفق عبدا ولها صاغرا بالذهب النقد زكي اللجين	للاحد الواحد من غير حد للشرف الفائق من كل زين فالزلك الامر بنيل المرام
نظم سواد ببياض بعين صادر ياضاكرياض الجنان جد له من هذا الكوثرين	اشرق من اوج افاداته مدنيه منك جنى الجنتين من شرب الغرفة من حوضه	شمس نهار قمر دائبين فاض على ساحة من خاض فيه اتخذ الغنية من كل عين
نسئلك العصمة يا من هدى رد بسبابة النبر من خير نجيبات نساء الزمن	بالنبي المنتجب الوالدين حق اخيه الرضي المرتضى وابنتها جامعة الحسنين	نورك بين الثقلين الذي من قمع الكفر ببدر حنين ثم بسبطيه وشبليهما
ذي الحسنين الحسنين الهدى ثم بغواص بحار العلوم كاظم الغيظ سميح اليدين	ثم بسجاد على جرى باقرنا الفائض كالهاطلين ملتجى الخلق على الرضا	صفحته الدمع من المهتدين رب وبالصادق وابن له قبته نيرة المشرقين
رب بحق التقي المتقي نجلك القائم في الاعصرين هم فلك الفضل وهم شمسه	والنقي الغر من القرتين صل على سيدنا المصطفى طلعهم الفرق على الفرقدين	ثم بذي العسكر والمنتظر ثم على عترته المصطفين خير جرائم جميع الامم
حبهم ينفعنا النشاتين راق بابواب عال الاكف ارحلنا خاض الى الخاصرين	منك الهي لتمام الامور طافحة الطرف مع المرفقين ما تنى العبد بجمع الكتاب	نلتمس الخلاص من كل شين في طرق العجز بوحل الوحل من خلل الفكرة او طرف عين
	فاعف لنا يوم يقوم الحساب واقف رضانا برضا الوالدين	

معروض رای عقده گشای برادران دینی میدارد بنده کمترین محمد رضا نامی خوانساری آبادی مصنف این کتاب که چون وضع این کتاب بطرحی تازه وبخلاف وضع کتابهای دیگر است تا بر مردم آسان باشد پیدا کردن آنچه خواهند و بنا بر کمی بسیاری شرحی از شروح آن محتاج بان باشد که بعضی از خانهای جدولش کوچک و بعضی وسط و بعضی بزرگ لهذا هر جدولی بطرحی علاحده و گلها و شکلها از وقوع شد عنوان رنگین هم

رسیده است که در حسن منظر و قبول طبع نیز دخلی عظیم دارد و جدولها و اشکالش در غایت اشکال و غلط نکردنش از آن مشکلتر و شاخ آن مدون جدول کشی و تقطیع لطفی ندارد فی الحقیقه مضامین فاضت منیش لایق هر گونه زیب و زینت است و گویا از قلم تقدیر بدین هیات بر جریده وجود مرقوم شده دلیل بر معنی آنکه نام نامیش که جنات مخلد است ماده تاریخ شروع در تالیفش و ماده تاریخ اتمامش که یکسال بعد از آن است باغ عدن [illegible]

پس بقانون نوشتن این نسخه مبارکه دو دانش بهر بیوقوف کج سلیقه که جدولش کج و اج کشد یا شکلهای صفحهاش تغییر دهد حیف است باعث تضییع سعی این حقیر است که مدت پانزده ماه شبانروز در جمع و طرح آن خونابه خورده ام و شرح و بسط هر چیز را بقدر گنجایش و توسعه خانهاش گنجانیده ام واین آسان نیست بلکه بفضل جناب قدس الهی و دستیاری رسول صلی الله علیه وآله و ائمه طاهرین علیهم السلام میسر گردیده است

پس استدعای چهار مطلب از خدمت برادران که نظر بر این کتاب مینمایند دارم اول آنکه این حقیر بی بضاعت را بطلب مغفرت و دعای خیر یاد نمایند دوم آنکه بر سهو و خطای این عبد خاطی قلم عفو در کشند سوم آنکه این نسخه مبارک را بهر نا اهل نادان ندهند چهارم آنکه مادام کاغذ خوب و جدول کش صاحب سلیقه و اسباب آن از پرکار و سطاره و قلم جدول و کاتب خوش نویس صحیح نویس تحصیل نکنند میل به نویسانیدن این کتاب ننمایند و تغییر در وضع اسلوبش ندهند و روح مرا در قالب معذب نسازند پس هر که تغییر دهد انتفاعی که از این کتاب برد بر او حلال نیست و مقید بقید لعنت خدا و رسول است قد وقع بالاتمام هذا الکتاب فی

یوم پنجشنبه بیست و نهم شهر جمادی الاول ۱۲۶۹ سنه
هزار و دویست و شصت و نه از هجرت نبوی صلعم
حرره مصطفی قلی سلطان گجوری بلده

در دار الخلافه طهران [illegible] در کارخانه [illegible] الکرام آقا سید محمد سلمه الله تعالی [illegible] انطباع یافت عفی الله عنه